



اولین پلتفرم هوشمند اقدامات بشردوستانه

agapengo.com

تسهیلگران:

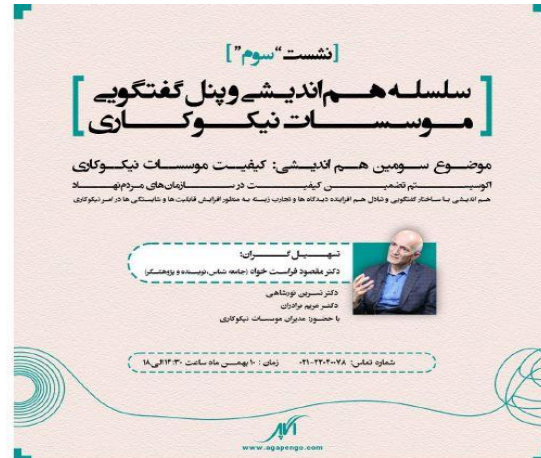
مقصود فراست خواه (جامعه شناس، نویسنده و پژوهشگر، سخنران و تسهیل گر)

اعضای نشست:

- سید محمود آذین مدیر عامل موسسه حضرت فاطمه زهرا
- محمدرضا واعظ مهدوی مدیرعامل بنیاد هاسب (همدلان آینده نگر سیستان و بلوچستان)
- پیمان غنی زاده مدیرعامل انجمن یاران دانش و مهر
- مهسا مشایخ نایب رییس هیات مدیره موسسه یاران دانش و مهر
- الهه شعبانی فعال اجتماعی و مدیر عامل سابق انجمن حمایت و یاری آسیب دیدگان اجتماعی احیاء ارزشها
- پریسا پویان راد مؤسس یاریگران کودک کار پویا
- اشرف صانعی نژاد عضو هیات مدیره انجمن یاران دانش و مهر
- محسن فرخوی، رییس هیات مدیره آگاپه
- الهام سادات توباپور هم مؤسس و عضو هیات مدیره آگاپه

اکوسیستم تضمین کیفیت

در سازمان های مردم نهاد



۱۰ بهمن ۱۴۰۲



چشم به سرچشمه بیکران مهر در عالم و آدم

اکوسیستم تضمین کیفیت

در سازمان های مردم نهاد

در سومین هم اندیشی کیفیت مؤسسات نیکوکاری

مقصود فراستخواه

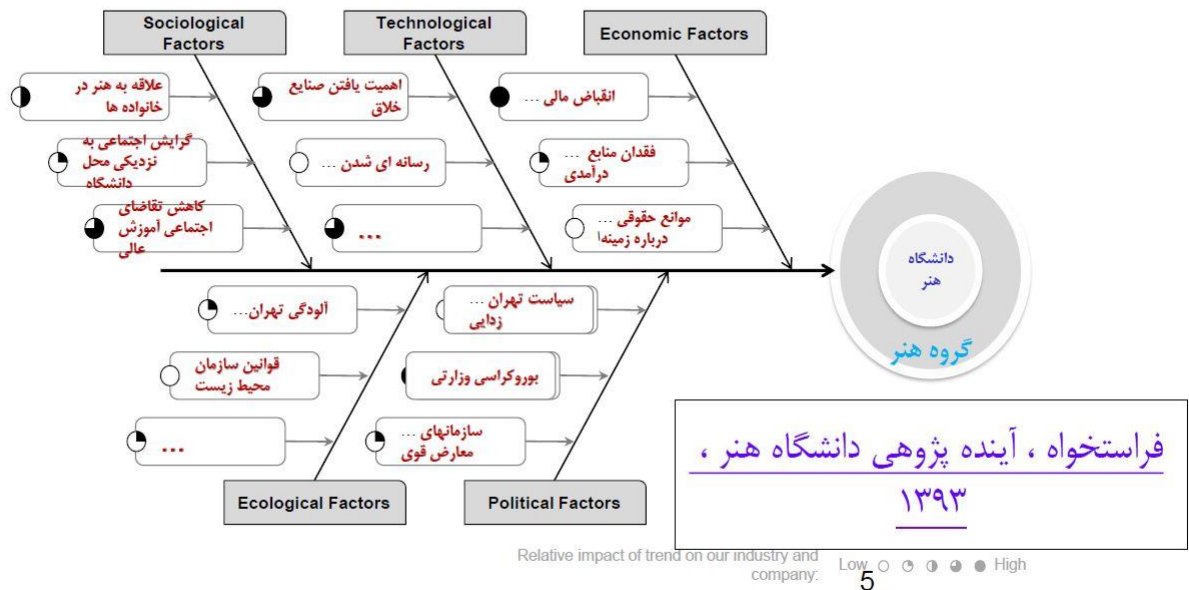
بحثی با مشارکت اصحاب معرفت و فضیلت در پویش خیر عمومی

دهم بهمن ۱۴۰۲

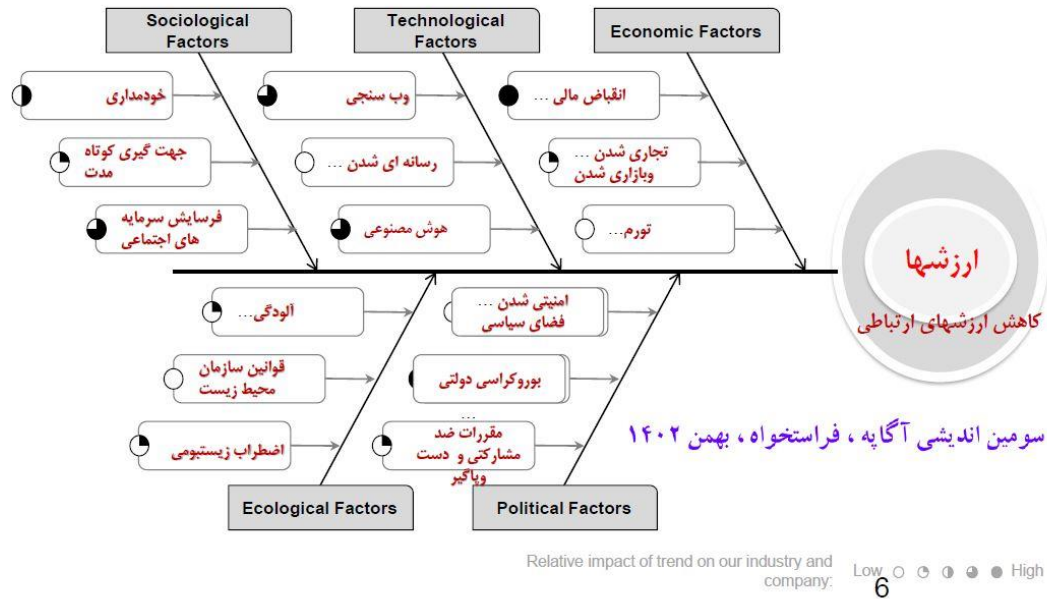
- ادبیات زیستبوم ، فضای سخن بسط یافته تری است که در ادامه تحلیل محیطی سیستم هاست
- در طی دهه های پیش ، نظریه پردازان تئوری سیستم ها مثل راسل ایکاف و دیگران به این نکته توجه دادند که سیستم ها در محیط نیستند بلکه محیط مند هستند سرشار از محیط اند و با محیط عمل می کنند
- سیستم محیطمند عمل می کنند ، سرشت ارتباطی دارند
- پوشش محیطی از مدلهایی برای این منظور بهره گرفت مثل استیپ وی و...

رجوع به نمونه بحث اینجانب در تحلیل محیطی دانشگاه، مورد دانشگاه هنر ، ۱۳۹۳

Summary of a STEEP Analysis | Fishbone diagram version



Summary of a STEEP Analysis | Fishbone diagram version



• اما افق مفهومی زیستبوم ، این ادبیات قبلی سیستم/محیط را بسط داد و غنای بیشتر بخشید

• مباحث زیستبوم (Ecosystem) حوزه ای از رویکرد سیستمی نسل تازه تر است

• زیستبوم به کلیتی بزرگ از شبکه فاعلان و میدانها با روابط و تعاملات پیچیده رسمی و غیر رسمی دلالت می کند

• که همه حوزه های نهادی، فرهنگی، ارزشی ، هنجاری، اجتماعی، انسانی ، طبیعی ، علمی ، آموزشی، فناوری، حمایتها و رقابتهای متعارضها و توافقیها ، منابع ، ظرفیتهای بازارها(بازار سرمایه و بقیه) ، بانکها ، بیمه ها،

سیاستها ، قوانین و مدیریتهای، رویدادها و تعهدات را در برمی گیرد

سومین اندیشهی آگاپه ، فراستخواه ، بهمن ۱۴۰۲

• و ذی نفعان مختلف در آن همکنشی های متقابل در ابعاد ملی ، منطقه ای و بین المللی دارند

7

- در بحث از اکوسیستم سازمانهای مردم نهاد غیر انتفاعی فعالیت داوطلبانه
- بهتر است برای قیاس پذیری علمی بحث مان
- درباره کاربرد اکوسیستم در فعالیتهای مردم نهاد و غیر انتفاعی داوطلبانه
- از ادبیات مانوس تر **کارافرینی اجتماعی** استفاده می کنیم
- چون برای آن؛ مباحث اکوسیستمی توسعه یافته است
- رجوع به نمونه بحث اینجانب در زیستبوم کارافرینی اجتماعی، ۱۳۹۲

سومین اندیشی آگاپه ، فراستخواه ، بهمن ۱۴۰۲

8

همایش ارتقاء فرهنگ نیکوکاری
و تجلیل از نیکوکاران در راستای تقویت بنیادهای نیکوکارانه
۱۴ اسفند ۹۲

اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران

و

انجمن جامعه شناسی

کارافرینی اجتماعی؛

راهبردی برای تلفیق طرح سود و طرح اخلاق

مقصود فراستخواه

- کارافرینی قبل از هر چیز یک فرهنگ و بلکه وسیع تر از آن یک اکوسیستم است
- هر حوزه اکوسیستمی و به طریق اولی هر سیستم اجتماعی توان **ان** ام موجودیت انسانی است
- در واقع اگر قرار است اکوسیستمی با کیفیت داشته باشیم باید بدانیم، این همان توان **ان** امی از کیفیت انسانهای آن
ومردمان آن است
- در حقیقت اکوسیستم معادله پیچیده ای از مناسبات انسانی است
- پس در کوچکترین سطح تحلیل برای داشتن یک اکوسیستم مناسب باید به سراغ انسانهایی با کیفیت برویم
- بدون غلتیدن به نگاه اتمیستی و بدون تقلیل مسائل پیچیده اجتماعی و نهادی و ساختاری به سطح روان شناسی فردی
10 **همایش ارتقاء فرهنگ نیکوکاری ، فراستخواه، 1392**
- پس برای جستجوی اکوسیستمی غنی و بلوغ یافته و با کیفیت برای تولید خیر عمومی و کارافرینی اجتماعی
- نگاهی عمیق تری نیز به انسانهای بلوغ یافته تر باشیم که قادر و مایل به تولید مکرر کیفیت انسانی هستند
- من برای ورود به بحث کارافرینی اجتماعی در این همایش
- ابتدا به عنوان مقدمه فقط به یک بُعد از این کیفیت انسانی اشاره می کنم
- و آن مسرتی باطنی و سطحی از سرشار بودگی است
- که در انسان ها شوق خیر عمومی و کارافرینی اجتماعی بسط می دهد

همایش ارتقاء فرهنگ نیکوکاری ، فراستخواه، 1392

11

شادبودن در حقیقت طرحی برای شاد زیستن است شادبودن مرهون طرز نگاه ماست

- روان شناسی در قرن ۲۱ می کوشد به این سمت برود که انرژی های آدمی را به سمت ظرفیت های مثبت موجود در ذهن بشر دعوت بکند و از گستره امکان های فراوان در تجربه های معنادار انسانی سخن بگوید تا بلکه بتواند به ارتقای کیفی شرایط بودن آدمی در اینجا یاری برساند.
- تمام سخن در اینجا آن است که اگر قرار است زندگی شادمانه ای داشته باشیم این در نهایت منوط به نگاهی است که ما به خود و عالم و آدم داریم

12

همایش ارتقاء فرهنگ نیکوکاری ، فراسنخواه، 1392

خصوصی ترین دارایی ما، طرز نگاه ماست.

- ما هستیم که می توانیم تصمیم بگیریم چگونه نگاه بکنیم:
- به خود، به هستی و به پیرامون خویش.
- شرایط و عوامل بیرونی وقدرتهای بیرونی هرچه هم از ما بگیرند طرز نگاه ما را نمی توانند یکسره از ما سلب بکنند.
- ما نهایتاً همان هستیم که می اندیشیم و می خواهیم.
- زندگی ما در تحلیل نهایی همان احساسات ، ادراکات و صور خیال و افکار ماست و طرز نگاه و کم و کیف عزایم ماست.

13

همایش ارتقاء فرهنگ نیکوکاری ، فراسنخواه، 1392



به این معنا ، خوشبختی ما امری ساجکتیو و فاعلی است
مبتنی بر خود تعیین گری است.

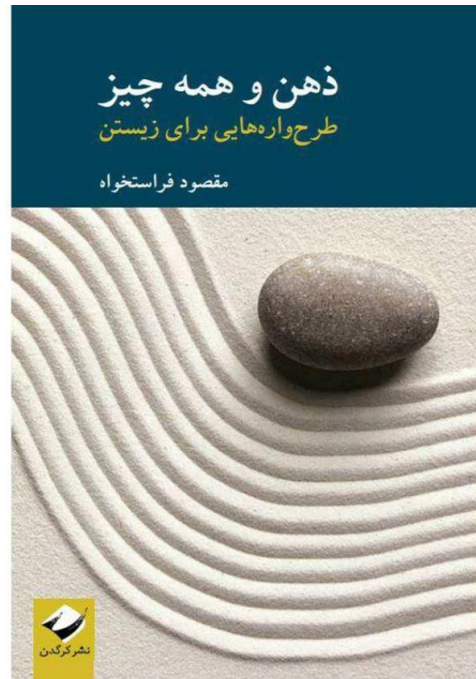
Self –determination

- آنچه از آن خودماست و سهم ما در این عالم است،
- عملکرد ذهن ماست و کیفیت ذهنی است
- ذهن ما بادبان قایق وجود ما در دریای متلاطم زندگی است.
- در دریای طوفانی، قایقرانهای ماهر محلی حتی از نیروی باد کاملاً مخالف استفاده می کنند.
همایش ارتقاء فرهنگ نیکوکاری ، فراستخواه، 1392
- سلامت روانی نوعی وضع ذهنی و کیفیت است.
- ذهن است که می تواند وضعی معطوف به محبت و کمک به همنوع و عشق پیدا بکند
- به جای وضع معطوف به خشم و اضطراب و نفرت.
- پس، ما بر مبنای طرحهایی که در ذهن داریم زندگی و رفتار می کنیم.
- مثلاً طرحی که از لذت و رنج، یا سود و زیان داریم که من در سیاه مشقی تفصیلاً به آن پرداختم
همایش ارتقاء فرهنگ نیکوکاری ، فراستخواه، 1392

14

15





طرح سود وزیان ما

میل به سود و پرهیز از زیان جزو متعارفترین، عمومی ترین و جهانشمول ترین خصائص توضیح دهنده رفتار انسانهاست.

- تعادل وقتی به وجود می آید که هیچ کس اجباری به دست شستن از منافع و مطلوبیتهای خود نداشته باشد
- این وقتی میسر می شود که همه بتوانند منافع مورد انتظار خود را به حد بهینه ای از حالت رضایتبخش برسانند
- اما بسته به اینکه طرح سود وزیان در جامعه چگونه باشد صورتهای کسب مطلوبیت متفاوتی خواهیم داشت در اینجا سه حالت ذکر می شود:

حالت اول: که حالت لختی بشریت است

- طرف های ذی نفع فقط سود خود بخواهند و سود خویش را یکسره بخواهند
- و سود خودشان را با زیان دیگران بخواهند.
- این همان بازی «سود- زیان» است و مطمئنا بازی پایداری برای مقیاس بزرگ و ماندگار اجتماعی نیست
- ومعمولا کار به بازی «زیان-زیان» هم می کشد
- وویرانگر است.

18

همایش ارتقاء فرهنگ نیکوکاری ، فراسخواه، 1392

مسئله کنش جمعی

- اگر همه افراد یکسره در راستای منافع شخصی خویش عمل بکنند تدارک کالاها یا خدماتی که از لحاظ جمعی به نفع همهشان است در میان آنها مخدوش می شود

Olson M.(1965)Logic of Collective Action; Public Goods &Theory of Groups.Harvard University Press.

19

همایش ارتقاء فرهنگ نیکوکاری ، فراسخواه، 1392



۰۲۱۲۲۰۴۰۰۷۸



agapengo



www.AgapeNGO.com

حالت دوم: که ریشه در عزیمت های مثبت بشری دارد

- طرفهای ذی نفع، سود خود را به همراه سود دیگران بخواهند
- و امکان پذیر ترین قدر مشترک و قدرمتوسط از منافع همه طرفها را
- قانون زندگی اجتماعی قرار بدهند
- این همان قاعده ای است که بازی «سود-سود» به راه می اندازد.
- قاعده ای که مناسبات ما را به تعادل می رساند و پایدار می سازد.
همایش ارتقاء فرهنگ نیکوکاری ، فراستخواه، 1392

20

حالت سوم : که ظرفیت های اوج در بشریت است

- سه. طرفهای ذی نفع حاضر در صحنه چنان با هم بازی بکنند که نه تنها قاعده اش «سود-سود» است
- بلکه «سود-سود-و بازهم سود» است.
- بازی «سود-سود-و بازهم سود» وقتی است که ما در روابط با همدیگر، نه فقط ذی نفعان حاضر و بالفعل
- بلکه سایر ذی نفعان غائب یا بالقوه را نیز منظور بکنیم.
- یعنی چنان تعامل بکنیم که منافع و پیامدها و نتایجی از بازی ما از طرفهای حاضر در بازی، به دیگران غائب، به دیگرانی که دورترها به سر می برند، و به نسلهای بعدی نیز برسد و حداقل این است که ضرر و زیانی به آنها وارد نکند.
همایش ارتقاء فرهنگ نیکوکاری ، فراستخواه، 1392
- بازی های اجتماعی در حالت «سود-سود-و بازهم سود» به پایدارترین و رضایتبخش ترین و پربارترین حد ممکن خود می رسد.

21



ما دلایلی متنوع تر از سود برای رفتار خود داریم. و طرحهای زندگی ما بسی فراخ است

۱. دلیل هنجاری: ما با چراغ قرمز می ایستیم هرچند ماشینی از آن سوی دیگر نمی آید و پلیسی و دوربینی هم نیست و ضرری نخواهیم کرد اگر از چراغ قرمز رد بشویم. از ایستادن نیز سودی متوجه ما نمی شود اما فشار هنجارهای اجتماعی بر روی ما هست.

۲. دلیل اخلاقی: به نیازمندی کمک می کنیم و نه تنها سودی عایدمان نمی شود بلکه هزینه هم برای مان دارد. اما استدلال اخلاقی می گوید غمخواری بکن.

۳. دلیل شناختی: برحسب کنجکاوی با پرسشی در گیر می شویم و چه اوقاتی را برای پیجویی این سؤالهای خود می گذاریم بدون اینکه سودی ببریم گاهی هزینه مادی هم می کنیم.

۴. دلیل زیبا شناختی: سازی یاد می گیریم برای دل خویش. وقت می گذاریم برای کشیدن نقاشی....

۵. دلیل معنایی: ما در زندگی خویش انواع اعمالی را انجام می دهیم که برای مان معنادار هستند یا با آنها به حیات خویش معنا می دهیم، صرف نظر از اینکه این اعمال لذتبخش یا سودمند

22

همایش ارتقاء فرهنگ نیکوکاری ، فراستخواه، 1392

باشند یا نباشند.

با این مقدمه به سوی بیان مسأله می رویم

دیدیم که در طرح زندگی، هم طرح سود لازم است و هم طرح اخلاق

اما یکی از بحث انگیز ترین مسائل جامعه ایران گسستگی میان طرح سود و طرح اخلاق است

- فقدان هم افزایی و بلکه وجود بیگانگی و شکاف عمیق میان «فعالیت‌های اقتصادی معطوف به سود» با «فعالیت‌های نیکوکارانه و بشر دوستانه معطوف به خیر»
- انگاره منفی مبهمی در فرهنگ ما هست نسبت به کسب سود به همراه درکی ایده آلیستی از اخلاق و امور عام المنفعه
- حیطه اقتصادی ما نمی توانست رونق و جوشش و پویایی و پابرجایی مولد و خودشکوفان داشته باشد
- و حوزه نیکوکاری اجتماعی ما نیز ضعیف، ناپایدار و شکننده بود و نهادینه نمی شد.

23

همایش ارتقاء فرهنگ نیکوکاری ، فراستخواه، 1392

چگونه آشتی میان دو طرح سود و اخلاق را می توان توضیح داد؟

✓ «کارآفرینی اجتماعی»

دیدگاهی است که از مرزهای سنتی میان دوگانه های

بخش خصوصی/عمومی و بخش دولتی / غیر دولتی، آگاهانه عبور می کند

- درک سطحی از فرهنگ صدقه دادن را به درکی عمیق از نیکوکاری کارآفرینانه یا کارآفرینی نیکوکارانه در جهت پایداری حیات اقتصادی و اجتماعی جامعه ارتقا می بخشد
- و فعالیتهای کسب و کاری را با کوشش اجتماعی و مدنی آشنا می سازد.

24

همایش ارتقاء فرهنگ نیکوکاری ، فراسخواه، 1392

فعالیت‌های کارآفرینانه اجتماعی به اقداماتی گفته می‌شود که

- ضمن برخورداری از ویژگی‌های عمومی کارآفرینی یعنی داشتن ماهیت نوآورانه، خلاقانه و کسب و کارانه
- جهت‌گیری اصلی آنها بجای سود فردی یا حتی گروهی
- به سوی اهداف اجتماعی و خلق ارزش های اجتماعی نظیر هماوایی و همبستگی

جمعی، مقابله با محرومیت، یاس و درماندگی است

همایش ارتقاء فرهنگ نیکوکاری ، فراسخواه، 1392

25 • Mair, Johanna & Robinson, Jeffrey. (2006). Social entrepreneurship. New York, Palgrave Macmillan.

فکر و عمل کارآفرینانه

مهم ترین عناصر فکر و عمل کارآفرینانه

- میل به موفقیت و تحقق ذات
- برخورداری از کانون کنترل درونی و اسناد درونی
- مخاطره پذیری
- خود پایه گذاری
- خلاقیت
- کشف و خلق و بسط حیطه امکانها
- تحمل ابهام

• احمد پوردارایی، محمود، عزیزی، محمود 1388 کارآفرینی، محراب قم

26

همایش ارتقاء فرهنگ نیکوکاری ، فراسنخواه، 1392

کارآفرینی اجتماعی منفعت و کسب و کار را
با تعهدات عام المنفعه اجتماعی درهم می آمیزد.

- کارآفرینی اجتماعی، ایده و ابتکار و فعالیت بدیع و نوآورانه است که با تحمل ابهام و عدم اطمینان و خطرپذیری، خلق ارزشهای اجتماعی غیر انتفاعی را به اتکای خلق ارزشهای اقتصادی و منطق کسب و کار پیش می برد
- نه فقط آفرینش سود خصوصی بلکه خلق ارزشهای اجتماعی

Value creator

Social value added

Tan Wee-Liang & Williams John & Tan Teck-Meng, (2005). "Defining the Social in Social Entrepreneurship: Altruism and Entrepreneurship", International Entrepreneurship and Management Journal, Vol.1, PP.353-365.

27

همایش ارتقاء فرهنگ نیکوکاری ، فراسنخواه، 1392



۰۲۱۲۲۰۴۰۰۷۸



agapengo



www.AgapeNGO.com

این ابتکارها دو حوزه انتفاعی و غیر انتفاعی را با هم آشنا می کند

- و عرصه مدنی و سازمان های مردم نهاد، مؤسسات خیریه و مشارکت های داوطلبانه و راه حل های نوآورانه برای رفع مشکلات اجتماعی را با عرصه اقتصادی و کسب و کار پیوند می دهد و به تعامل می دارد
- نتیجه اش حل مسائل عمومی از قبیل غذا، امنیت، بهداشت و
- سلامتی، تحصیلات و آزادی بیان و عقیده، حقوق زنان و کودکان، تبعیض و فساد، آلودگی محیط زیست است
- که با نوعی عقلانیت اقتصادی و قواعد کسب و کاری پیش می رود و مدل بشردوستانه ای از سرمایه داری به دست می دهد

28

همایش ارتقاء فرهنگ نیکوکاری ، فراسخواه، 1392

دورویکرد □ رویکرد اول

✓ مسئولیت پذیری کسب و کارهای تجاری

■ مسئولیت اجتماعی شرکتها

■ Corporate social responsibility/CSR

■ یا شهروندی با کسب و کار/corporate citizenship

■ خود تنظیمی اخلاقی و قانونی شرکتها و طرح های کسب و کار

- corporate self-regulation with the spirit of law and ethical standards and social norms and values integrated into the business model

29

همایش ارتقاء فرهنگ نیکوکاری ، فراسخواه، 1392



۰۲۱۲۲۰۴۰۰۷۸



agapengo



www.AgapeNGO.com

□ رویکرد دوم

- ذهن کارآفرینانه در تاکتیکهای بخش خصوصی و کشف
- استراتژیهای مالی و طرح های مدیریتی بدیل و تولید ثروت اما
- برای آفرینش ارزش اجتماعی با مقاصد غیر انتفاعی

30

همایش ارتقاء فرهنگ نیکوکاری ، فراسخواه، 1392

برای خواندن

- Mair Johanna & Marti´ Ignasi, (2006). “Social entrepreneurship research: A source of explanation, prediction, and delight”, *Journal of World Business*, Vol. 41, PP. 36–44.
- Austin James & Stevenson Howard & Wei-Skillern Jane, (2006). Social and Commercial Entrepreneurship: Same, Different, or Both?”, *entrepreneurship theory and practice*, Vol.30, No.1, PP. 1042-2587.
- Mair Johanna & Seelos Christian, (2005) “Social entrepreneurship: Creating new business models to serve the poor”, *Business Horizons*, Vol. 48, No. 3, PP. 241-246.

31

همایش ارتقاء فرهنگ نیکوکاری ، فراسخواه، 1392





typology

1. Complementary social entrepreneurship in business plans

2. Complementary economic entrepreneurship in NGO plans

1+1 > 2 . Integrated social entrepreneurship

33

همایش ارتقاء فرهنگ نیکوکاری ، فراسنخواه، 1392

برای خواندن

Schieffer Alexander & Lessem Ronnie, (2008). Beyond Social and Private Enterprise: Towards the Integrated Enterprise”, International Entrepreneurship and Management Journal, PP.714-725.

Roper Juliet & Cheney George, (2005). “Leadership, learning and human resource management the meanings of social entrepreneurship today”, Emerald Group Publishing Limited, Vol.5, No. 3, PP. 95-104.

34

همایش ارتقاء فرهنگ نیکوکاری ، فراسنخواه، 1392



۰۲۱۲۲۰۴۰۰۷۸



agapengo

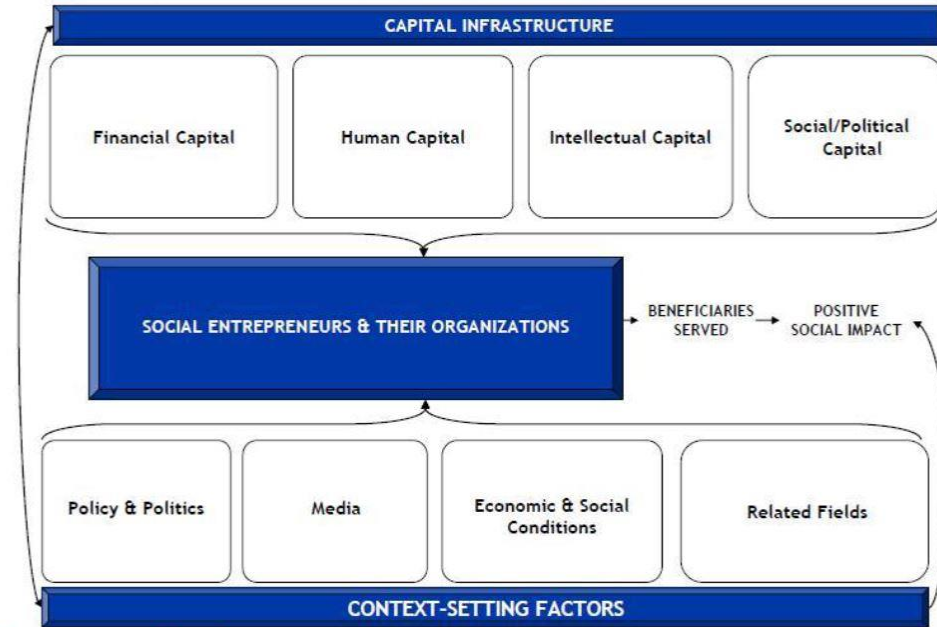


www.AgapeNGO.com

مدل اکوسیستم

Duke University, (2008). "Developing the Field of Social Entrepreneurship",
A Report from the Center for the Advancement of Social Entrepreneurship
(CASE),The Fuqua School of Business .

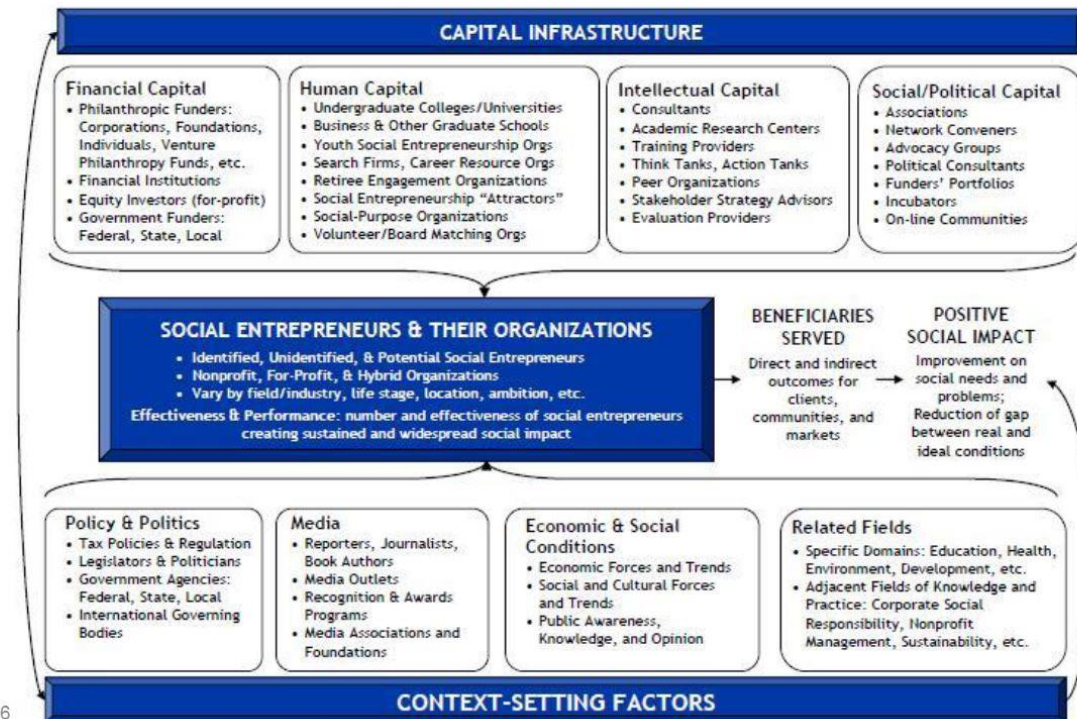
Figure 1: Ecosystem of Social Entrepreneurship (Summary)



35

همایش ارتقاء فرهنگ نیکوکاری ، فراسخواه، 1392

Figure 2: Ecosystem of Social Entrepreneurship (with Examples)



36

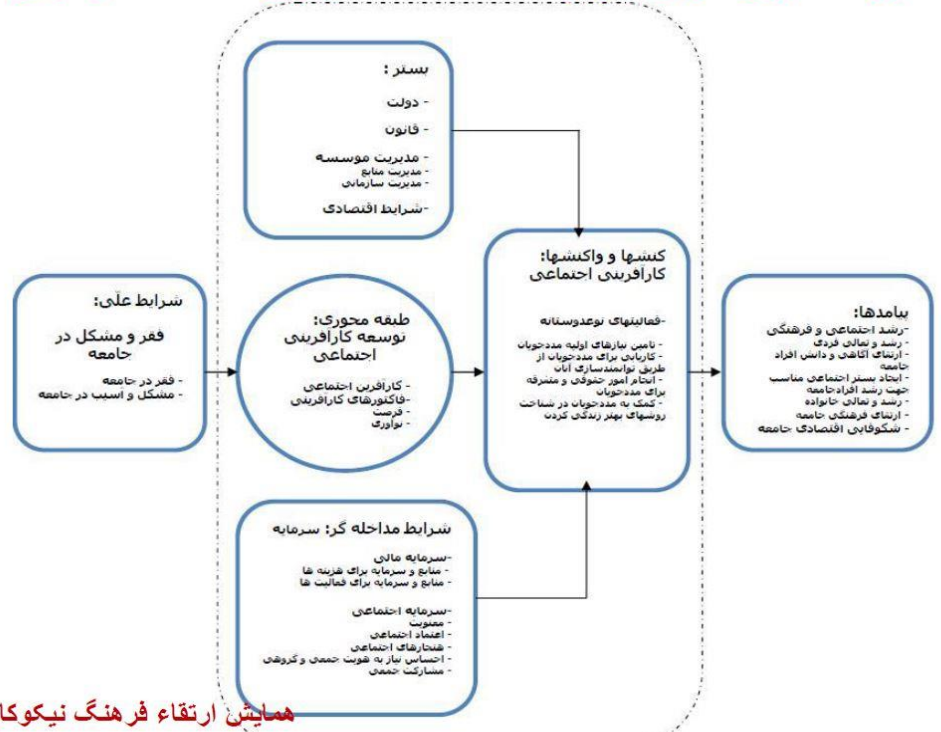
همایش ، ارتقاء فرهنگ نیکوکاری ، فراسخواه، 1392

مدل اکوسیستم



37

تحقیق دانشجوی عزیزم: باز یار، ۱۳۸۹، دانشگاه تهران، دانشکده کارافرینی



همایش ارتقاء فرهنگ نیکوکاری، فراسنخواه، 1392³⁸

گزارش سومین نشست از پنل گفتگوی موسسات نیکوکاری مورخ ۱۰ بهمن ۱۴۰۲

این پنل‌های گفتگویی که واقعا مورد نیاز فضای اجتماعی بوده و هست و مفاهیم خیلی قشنگی متناسب با نیازسنجی که صورت گرفته است، تبیین می‌شود و جناب دکتر فراست‌خواه بر روی مفاهیم کار می‌کنند و هر از چند گاهی این نشست برگزار میشه و موسسات در کنار هم در رابطه با یک موضوع خاص و مشخص که مورد نیاز اکثریت قریب به اتفاق موسسات است بحث و گفتگو می‌کنند. در واقع برای شکل‌گیری این پنل‌ها و موضوعاتی که قرار هست در هر پنل گفتگو بشه از موسسات مردم‌نهاد نیازسنجی شده و با توجه به این نیازسنجی‌ها موضوعات مشخص می‌شه. مدل گفتگویی این پنل‌ها برای دکتر فراست‌خواه بسیار مهمه و هدف متکلم وحده بودن نیست. موضوع این نشست اکوسیستم تضمین کیفیت در سازمان‌های مردم‌نهاد هست که به شناسایی مسائل این حوزه پرداخته می‌شه و دنبال این هستیم که راهکارهای علمی، عملیاتی را در کنار هم پیدا کنیم.

پیمان غنی‌زاده مدیرعامل انجمن یاران دانش و مهر

حدود دو سالی هست که افتخار همکاری با انجمن یاران دانش و مهر را دارم. هدف و اساسنامه انجمن ما در حوزه حمایت‌های آموزشی هست. تلاش می‌کنیم فرصت‌های آموزشی عادلانه برای دانش‌آموزان و دانشجویانی که به هر حال محرومیت‌هایی در بهره‌مندی از امکانات و ابزارهای آموزشی دارند، فراهم کنیم. الان در تهران در دفاتری مثل پاکدشت و اسلامشهر و در کرمانشاه ۸۵۰ دانش‌آموز و دانشجو در یک سیستم مددکاری که به واسطه حضور استاد این عرصه سرکار خانم اشرفی بنیان‌گذاری شده و بسط گرفته، مورد حمایت انجمن هستند. سیستم مددکاری انجمن، پرداخت محور نیست بلکه توانمندساز هست. مددکاری ما یک نوع مددکاری مداخله محور هست که همکاران مددکار ما با مشاوره‌های فردی و گروهی تلاش می‌کنند که دانش‌آموز ضمن اینکه در مدرسه مستقر هست و ترک تحصیل نمی‌کنه علی‌رغم اینکه خیلی مشکلات دیگه هم دارن در مسیر رشد و شکوفایی شخصی قرار بگیرن. بنابراین همزمان با مداخلات فردی و گروهی، کلاس‌های آموزشی، کارگاه‌های مختلف مهارت‌آموزی از فرزندپروری برای خانواده‌ها تا مدیریت زمان و هدف‌گذاری و کلاس‌های مختلفی که نیازسنجی میشه برگزار میشه.

مهسا مشایخی نایب رییس هیات مدیره انجمن یاران دانش و مهر

من از سال ۹۵ به انجمن یاران دانش و مهر پیوستم. در ابتدا برای آموزش هنرهای کاربردی وارد انجمن شدم. هدف این بود که آموزش‌ها به صورتی باشه که طبقات ضعیف اقتصادی با یادگرفتن این هنرها و مهارت‌ها بتونن کسب درآمد داشته باشن. بعد از اون کم‌کم با انجمن بیشتر آشنا شدم و به هیات مدیره پیوستم. ما پروژه‌های مختلفی داریم و با گروه‌های مختلف همکاری می‌کنیم و در واقع همکار پروژه هستیم. فعالیت‌هایی از قبیل با من بخوان که در جاهای مختلف و کرمانشاه برگزار می‌شه. در کرمانشاه ۴ مرکز داریم که در آنجا فعالیت‌های کتابخوانی داریم. کتابخانه کودکان و نوجوانان، مدرسه فرهنگ، مدرسه مخصوص افغانستانی‌ها است که دو تا مدرسه در مناطق جنوب تهران داریم. سواد D داریم که در واقع سواد دیجیتالی هست که تبلت‌هایی به کودکان داده می‌شود و کودکان مناطق محروم و مناطقی که واقعا تحصیل در اونجا سخت هست و معلم نمیتونه در اون منطقه حضور داشته باشه تبلت‌هایی در اختیار دانش‌آموزان قرار میگیره و سواد آموزی انجام میشه.

محمدرضا واعظ مهدوی مدیرعامل بنیاد هاسب (همدلان آینده نگر سیستان و بلوچستان)

هاسب مجموعه‌ای هست که هدفش رو توسعه سیستان و بلوچستان قرار داده و برای این کار اقداماتی در زمینه توسعه زیرساخت‌ها، نظیر مدرسه‌سازی، ساخت خانه‌های بهداشت، تامین آب آشامیدنی، لوله‌کشی آب روستایی، احداث زمین‌های ورزشی و نظایر این‌ها انجام میده. همچنین بحث اشتغال و کارآفرینی رو با رویکردهای اجتماع محور در دستور کار داریم و حدود ۱۵۰ روستا رو تحت پوشش این روند اشتغال خرد داریم. البته ما چون هدفمون رو همگن‌سازی شاخص‌های توسعه‌ی کشور قرار دادیم طبیعتا جاهایی که کمترین شاخص‌ها رو داره بیشترین تمرکز رو داریم. علاوه بر اون، یک سری کارها برای شناخت مزیت نسبی و منطقه‌ای و فعالیت بخشیدن اون مزیت‌ها و جلب توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان و ساختارهای بودجه و اجرایی کشور برای به فعالیت بخشیدن مزیت‌های بالقوه استان در نظر داریم. از جمله پیگیری مربوط به طرح آمایش استان است. پیگیری موارد مربوط به مزیت‌های ترانزیت استان، انرژی خورشیدی، معدن و شیلات هست که جز مزیت‌های مهم این منطقه هستند.

موسسه فاطمه زهرا حدود ۳۷ ساله که کارش رو با همکاری یک سری از افسران ارتش شروع کرده بعد هم جمعی از مهندسين به ما پیوستند. کار ما حمایت و پشتیبانی تحصیلی و کارآموزی و خودکفایی ایتم در کشور هست.

ما از میدان خراسان شروع کردیم و امروز بیشتر از ۵ سال هست که در ۹ استان در حال کمک رسانی هستیم. فعالیت در استانهای کرمان و خراسان شمالی را تازه شروع کردیم. یک هنرستان ۲۰۰ نفره شبانه روزی در حال ساخت در استان سیستان و بلوچستان داریم. در موسسه ما دانش آموزان و خانواده آنها از لحاظ نیازمندی به صورت دقیق بررسی می‌شن. کمک‌های معیشتی، بهداشتی، تحصیلی و تفریح و ... در اختیار این افراد قرار می‌گیره. هزینه‌هایی مثل هزینه‌های تحصیلی در دانشگاه یا مسابقه‌های ورزشی هم به افراد تحت حمایت موسسه تعلق می‌گیره.

ما تا الان حدود ۱۴۰۰ مسکن با کمک بنیاد مسکن و کمیته امداد ساختیم. اگر مادران یا بچه‌ها یک حرفه‌ای یاد بگیرن و برای اون مدرک رسمی داشته باشن بلافاصله تجهیزات مربوط به کارشون رو به صورت رایگان دریافت می‌کنن. یا اگر کسی بخواد مهارتی یاد بگیره هزینه آموزش این مهارت به طور کامل برای اون فرد پرداخت می‌شه و وسایل مورد نیاز کارش به صورت قسطی در اختیار او قرار می‌گیره.

سعی کردیم همه ابعاد زندگی بچه‌ها رو در نظر بگیریم. برای کودکانی که بتونن به مادران بی‌سواد خود سواد یاد بدن جوایزی در نظر گرفته شده. من عاشق این هستم که موسسات با همدیگه کار کنن.

الهه شعبانی فعال اجتماعی و مدیرعامل سابق موسسه احیاء ارزش‌ها

از ۱۸ سالگی وارد فضای NGO ای شدم و سال‌ها در کنار خیلی از بزرگان کار کردم و تجربه کسب کردم و یاد گرفتم. به مدت ۴ سال مدیرعامل انجمن احیاء ارزش‌ها بودم که در حوزه پیشگیری از HIV و حمایت از زنان و کودکان HIV مثبت فعالیت می‌کردم. در حال حاضر هم در موسسه پویا و در کنار خانم پویان هستم.

پریسا پویان‌راد مؤسس یاریگران کودک کار پویا

روانشناس هستم و قاطعانه می‌گم که تنها موسسه کودکان کار در ایران هست که کار تخصصی روانشناسی انجام میده و تیم روانشناسی ما به شدت تیم قوی‌ای هست. بر روی اختلالات یادگیری کودکان کار اولین بحثمون رو شروع کردیم ولی در حال حاضر بر روی تمام اختلالات روانشناختی کودکان در شرایط دشوار کار می‌کنیم.

مقصود فراست‌خواه سخنران و تسهیل‌گر

اینجا چشمه‌هایی هستند که همدیگر را می‌بینند و دست‌هایی که دست در دست هم می‌گذارند. اینجا مرغ‌هایی هستن که سیمرغ می‌شن. من از صحبت‌های شما خیلی تحت تاثیر قرار گرفتم و دیدم این اکوسیستم، زیست‌بوم همینجاست و در صحبت‌های شما موج می‌زد. اکوسیستم یعنی برکت، فراوانی و راز فراوانی بی‌انتهای شما. اکوسیستم یعنی چند درخت، چند گیاه بیشتر بشن و جنگل بشن و اکوسیستم بسازن. این رشد بی‌بازگشت هنوز در ایران برای خیر موثر، مهربانی، همبستگی اجتماعی ایجاد نشده. هنوز این موارد تک درخت هستند و جنگل نشدن. هنوز موسسات نیکوکاری عام‌المنفعه و مردم نهاد برای فعالیت‌های داوطلبانه و انسان دوستانه، اکوسیستمی تشکیل ندادند. امیدوارم با همت شماها و نسل‌هایی که شما تولید می‌کنین این اکوسیستم تشکیل بشه.

اکوسیستم تضمین کیفیت در سازمان‌های مردم نهاد

در ادامه بحث‌های جلسات قبلی در خدمت شما هستم و امیدوارم به همت شما و دوستان آگاپه بتونیم امروز یک بحث افق گشا داشته باشیم و به هم کمک کنیم که یک افق‌هایی برای بهتر راه رفتن در مسیری که هستیم گشوده شود.

اکوسیستم یک ادبیات دارد. ادبیات زیست‌بوم یک فضای سخن هست. من فضای سخن را ترجمه ژانر قرار داده‌ام. زیست بوم و ادبیات اکوسیستم یک ژانر هست. این ادبیات بسط یافته ادبیات تحلیل محیط هست. وقتی سیستم رو بحث می‌کردیم می‌گفتیم سیستم در محیطه. الان این اتاق یک سیستمه اما این سیستم اتاق در دل محیط‌های بزرگتری قرار داره. قبلا هر سیستم رو با محیطش در نظر می‌گرفتیم و این یک ادبیات و فضای سخن بود. ولی دانش، مدام در حال گسترش هست. صحبت در مورد اکوسیستم حدود دو دهه هست که بیشتر شده و در اصل، محیط سیستم رو توسعه داده.

برخی از دانشمندان اعتقاد داشتند سیستم در محیط نیست بلکه سیستم محیط‌مند هست و آغشته به محیط هست. یعنی محیط در سراسر سیستم حضور دارد. محیط در افراد هم هست.

تحلیل محیط انواع مختلف دارد، یکی از انواع تحلیل‌های محیط، تحلیل استیپ وی هست مثلا اگر بخواهیم سیستم مدرسه یا سیستم روانی انسانی یا سیستم‌های اجتماعی و انومی را بررسی کنیم این سیستم را باید در محیط بررسی کنیم. برای تحلیل محیط هم از مدل‌هایی استفاده می‌شود که یکی از آن‌ها مدل استیپ وی هست. (یعنی مدل تحلیل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، ارزش‌ها) در این مدل می‌گفتیم یک پدیده را باید در محیط استیپ وی تحلیل کنیم.

در سال ۹۳ ما در دانشگاه جامع هنر برنامه تحلیل آینده پژوهی داشتیم و برای این دانشگاه آینده پژوهی انجام دادیم. من در آن زمان تحلیل استیپ وی انجام دادم و آنجا برای این که آینده این دانشگاه را بدانیم برای آن تحلیل محیطی انجام دادیم.

الان از شما می‌خواهم این تحلیل استیپ وی را برای فعالیت‌های نوع دوستانه و معطوف به خیر عمومی و انواع گروه‌های هدف آسیب‌دیده را انجام دهید. فعلا وارد بحث اکوسیستم نمی‌شویم و می‌گوییم ما اگر بخواهیم این موارد را بررسی کنیم باید در محیطش بررسی کنیم.

پیمان غنی زاده

فکر می‌کنم با توجه به این که این تحلیل می‌خواهد به سمت مبحث کیفیت سمت و سو بگیرد من گمان می‌کنم اگر عوامل بازدارنده و منفی و هم‌چنین عوامل مثبت را در نظر بگیریم. به نظر من کیفیت یک جور نگرش هست و نهایتا جامعه و عوامل اجتماعی که آماده پاسخ‌گویی و اندازه‌گیری شدن هستند و آماده این هستند که خودشان رو نسبت به یک هدف، منابعی که در دست داشتن و نسبت به مسئله‌ای که سنجیده بودن بسنجند میتونن در کیفیت موثر باشن. یکی از عوامل اجتماعی که شاید اکوسیستم اجتماعی ما در بحث کیفیت از بعد منفی باهاش درگیر هست شاید همین فرهنگ عدم پاسخ‌گویی و مقاومت در مقابل اندازه‌گیری و ارزیابی هست.

مقصود فراست خواه

عوامل اجتماعی موثر بر کارهای نیکوکارانه در ایران

همان طور که در جلسه قبل گفتیم، کیفیت یک حالت انسانی، ذهنی و رفتاری است و باید بتوانیم به صورت مکرر تولید کیفیت داشته باشیم. آیا ما می‌توانیم کردارهایی داشته باشیم که سرشار از کیفیت‌های انسانی هستند؟

ما می‌خواهیم بگوییم سیستمی که می‌خواهد کیفیت داشته باشد بستگی به محیطش هم دارد. محیط چه قدر به او اجازه می‌دهد که کیفیت خودش را مستقر کند؟ نه اینکه اگر محیط اجازه نهد ما دست برداریم. من مطمئن هستیم عزیزان حاضر در جلسه هیچ وقت منتظر محیط نیستند و خودجوش به خاطر ارزش‌های درونی کار می‌کنند ولی به هر حال در مقیاس کلان اجتماعی محیط‌ها مهم هستند و هم تاثیر می‌پذیرند و هم تاثیر می‌گذارند.

محمدرضا واعظ مهدوی

من فکر می‌کنم آنچه که اختیار انسان است ایجاب می‌کند که ما در جبر محیط در واقع مجبور نمی‌شویم ولی تاثیر می‌پذیریم. یعنی اقدامات و فعالیت‌های ما تحت متغیرهای محیطی و اکوسیستم محیطی قرار می‌گیره، کنش‌های مختلف محیط، تاثیر می‌زاره اما مطلق نیست. همه ما این توان رو داریم که بر جبرهای محیطی غلبه کنیم.

مقصود فراست خواه

به هر حال ما در مقیاس کلان محیط رو در نظر می‌گیریم چون محیط مهمه و تاثیر می‌زاره اما دکتر واعظ مهدوی فرمودن که انسان‌های خودساخته و کسانی که در وجودشون ارزش‌ها و معانی متعالی دارن این‌ها محیط رو هم تحت تاثیر قرار می‌دهند و تغییر می‌دهند و این راز تمام تغییرات در دنیا است. اگر تغییر، موکول به محیط بود خیلی از تغییرات اتفاق نمی‌افتاد ولی کنش‌گران، عاملان اجتماعی و نوآوران این همه تغییرات را ایجاد کردند و این اتفاقات تحت تاثیر ذهن‌های بیدار و جان‌های روشن و افق‌های متفاوت بوده که تونستن تغییر ایجاد کنند. ولی ما به لحاظ رئالیستی و در منطق علمی باید این محیط‌ها رو تحلیل بکنیم.

پیمان غنی زاده

موضوع خودمداری باز هم از بعد فرهنگی، ممکنه ما مردم مشارکتی و مشارکت جو نباشیم. ولی میدونیم که کیفیت جز مشارکت و دیگر مداری شاید فقط یک نگاه انتزاعی از کیفیت باشه.

مقصود فراست خواه

اصلا من وقتی دنبال رساندن خیر به دیگران، دنبال دستگیری و مددسانی هستم نیاز داره که از خودم بیام بیرون و به دیگری توجه کنم در حالی که در فرهنگ ما یک اینرسی و لختی وجود داره که طبق بررسی‌هایی که شده خودمداری در حال رشد هست. در مدارس و رقابت‌های فردی خودمداری در حال رشد است. به شکلی که هر کس به فکر خودش هست و هر کس می‌خواهد خودش را سر پا نگه دارد. این موارد را ما در تحقیقات میدانی به دست آوردیم. الان تحقیقات ملی و بین‌المللی نشون میده که در ایران، خودمداری در حال رشد هست. با این وضعیت، کار خیر کردن خیلی سخت هست. به این موارد تحلیل محیطی می‌گویند. این که افرادی شبیه دکتر واعظ مهدوی به دور از خودمداری دنبال دیگرخواهی هستند. بله این درست است ولی در تحلیل عقلانی ما باید به فکر محیطی باشیم که ممکن است روز به روز کار خیر عمومی لطمه ببیند. روز به روز گروه‌های زیادی در حال سر پا نگه داشتن خود هستند. برای ما که می‌خواهیم به صورت هوشمندانه مهرورزی انجام دهیم، چون متوجه هستیم همه در محیط در این مرحله هستن که میخوان گلیم خودشون رو از آب بیرون بکشن. البته این مواردی که ذکر میشه همه مثال هستن و بیشتر هم مثال منفی هستن. مثال منفی می‌زنیم چون می‌خواهیم هوشمند شویم که چه کاری را باید انجام بدهیم؟ یک بخشی از کار خیر اجتماعی این است که نسبت به وضعیت تهدیدها فکر بکنیم.

محمدرضا واعظ مهدوی

من می‌خواهم بگویم اتفاقا باید از فرصت‌ها شروع کرد، چون موتور تحرک اجتماعی در فرصت‌هاست. تهدیدها، خطراتی هستن که باید بر اون‌ها غلبه کنیم. ما باید با دامن زدن به فرصت‌ها و جنبه‌های محرک فرهنگی، فطری، وجدانی و انسانی شروع بکنیم. در واقع عواملی که وجدان همه انسان‌ها از آن متاثر است.

یک زمانی ما در فعالیت‌های مربوط به کارتن‌خواب‌ها درگیر بودیم. مثلا شب‌ها میرفتیم و از آژانس‌های شبانه‌روزی می‌پرسیدیم در محل شما چه کسانی بی‌خانمان و کارتن‌خواب هستن؟ افراد شاغل در آژانس خیلی با محبت با ما برخورد می‌کردند و اظهار می‌کردن شما چه کار خوبی انجام میدین ما وجدانمون بابت وجود این افراد در محله ناراحت بود اما کاری از دستمان بر نمی‌آمد وبعد هم با ما همراه می‌شدند. می‌خوام بگم این‌ها جنبه‌های مثبتی هست که در جامعه وجود داره. شما خانواده‌هایی رو میبینی که فرزندان از والدین خود بخشش به دیگران را یاد گرفتند و حالا شکل مدرن این کار رو انجام می‌دن و نهاد سازی می‌کنن. اگر همزمان تهدیدها و فرصت‌ها رو در کنار هم ببینیم بهتر است. مثلا در کنار این موارد مثبت، بدبینی مالیاتی، اعتماد، سواستفاده‌هایی که ممکن است بشود، موسساتی که دانش کمی دارند و نظایر این‌ها را هم می‌توان دید. و بعد ببینیم چگونه می‌توانیم نقطه ضعف‌ها را پوشش دهیم.

مقصود فراست خواه

همه این موارد درست است اما ما اینجا نمی‌خواهیم SWOT انجام دهیم. به درستی فرمودند که ما وقتی می‌خواهیم تحلیل SWOT انجام دهیم باید نقاط قابل بهبود و نقاط قوت را در نظر بگیریم. هر سیستمی یک سری نقاط قوت دارد که خیلی هم مهم است و یک سری نقاط قابل بهبود داریم که می‌تونیم اون‌ها رو برطرف کنیم. در محیط هم یک سری فرصت‌ها و تهدیدها وجود داره.

اما من اینجا فقط برای مثال و نشان دادن عوامل مشکل ساز و حساسیت نسبت به آن‌ها این موارد را ذکر کردم و به نظرم باید نگران این موارد باشیم تا بعدا بتوانیم از فرصت‌ها و امکان‌های خوب و نقاط قوتی که داریم بهتر استفاده کنیم. اما به نظرم این تنش و استرسی که در من هست ناشی از این هست که ما داریم تحت تاثیر تهدیدهایی قرار می‌گیریم که می‌تواند بیاید و به کل نقاط مثبت ما هم لطمه بزند.

قصد من ارائه یک تحلیل اکوسیستم و استپ وی نبوده. فقط مثال بوده ولی به هر حال مثال‌های منفی رو جدی بگیریم. معمولا وقتی آزمایش هم می‌دهیم موارد نرمال را رد می‌کنیم و مواردی که مشکل دارند را پیگیری می‌کنیم.

محمدرضا واعظ مهدوی

اگر یکم برگردیم به بحث عینی و ذهنی، احساس ما خیلی بدتر از واقعیت هست، یعنی احساس ما از واقعیت بیرونی بسیار منفی‌تر از خود واقعیت هست. در مورد این گزاره مطالعات زیادی در سطح بین‌المللی و ملی انجام شده. برای مثال احساس فقر برخی افراد ۳ برابر بیشتر از فقر واقعی بوده. یک کتابی

هست تحت عنوان سرشار از واقعیت که نویسنده آن ۱۰ مورد جهانی را بررسی کرده که یکی از موردهای آن ایران هست. در تمام این موارد نشون داده که تصویری که اشخاص، از واقعیت خارجی دارن بسیار منفی تر از خود واقعیت هست. شاید به صورت کلی نقاط منفی، روان و ذهن ما رو بیشتر درگیر می کنن و آنچه که واقعیت موجود هست تحرک ما رو به خورده کم می کنه. اولین شرط توسعه امید هست. اگر امید و خوش بینی نباشه اصلا هیچ تحرکی شکل نمی گیره لذا پیشنهاد من این هست در بعضی موارد می توان از فرصت ها شروع کرد البته با توجه به تهدیدها و اشکالات و ...

پریسا پویان راد

من اگر بخواهم از دید خودم این کاهش ارزش های ارتباطی رو تقسیم کنم من به فردی و جامعه تقسیم می کنم. یعنی یک سری عواملی که شما فرمودین من عوامل فردی در نظر می گیرم مثلا اینکه کارهای بشردوستانه در نسل جدید دارد کاهش پیدا می کند. البته من این مورد رو هنوز قبول ندارم چون من هنوز یک تحقیق علمی که نشان دهنده این موضوع باشد ندیدم و شاید فقط قضاوت ما در مورد نسل جدید هست و این رو از روی بچه ها و تیم خودمون حدس می زنیم و اینکه چه قدر پایه های علمی داره رو نمیدونم. ولی حتی اگر فرض کنیم که این مورد صحت داشته باشد یک سری از این خودمداری ها علاوه بر عوامل شخصی من به یک سری به عنوان عوامل سازمانی نگاه می کنم. کدوم سازمان بشردوستانه ای در ایران حاضر هست امکانات خودش رو اگر بیشتر از حد نیازش باشه در اختیار یک سازمان دیگه قرار بده؟ خوب کار می کنیم و میزان زیادی سرمایه هم داریم ولی این ظرفیت ها را در اختیار سایر سازمان ها قرار نمی دهیم. البته موارد دیگر هم روی این ها اثر می گذارد مثلا تورم. وقتی من به عنوان یک موسسه خیریه منابعی دارم ولی از فردای خودم بی خبر هستم و از نظر اقتصادی ثبات ندارم و خیالم راحت نیست که موسسه من می تونه روی پای خودش بایسته یا نه؟ من یادم هست که سال قبل ذخیره های مالی داشتیم امسال به جایی رسیدیم که ذخیره های مالیمون تموم شده.

مقصود فراست خواه

ممکنه پارسال که مقاوت می کردید الان دیگه نمی تونید درست؟ شما برای رفع این موضوع چه کاری انجام دادید؟ من یک سوال می کنم که خانم پویان راد چه کار کردند؟ ایشان کار خیری که انجام می دهند را در محیط بررسی کردند. دیدن تورم، یک نگاه سیستمی در محیط هست. البته باید هم مثبت و هم منفی را با هم ببینیم. مثل خانم پویان راد که هم مثبت رو توجه کردن و گفتن من نمیتونم نسل جدید را قضاوت کنم که نمیخوان خیلی کارهای معطوف به خیر عمومی را انجام دهند. ولی در کنارش یک استرس هم دارند که تورم سازمان ها رو مدام به سمتی میبره که ارزش های ارتباطی کم بشه و حاضر نیستن افزوده های خودشون رو با بقیه سازمان ها تقسیم کنن. من در این اسلاید فقط مثال زدم و مثلا گفتم چون جهت گیری های کوتاه مدت مدام در جامعه بیشتر میشه و شرایط یه جوریه میشه که بیشتر مردمان به این سمت سوق پیدا می کنن که فقط فردا رو ببینن. من مثلا اینجا گفتم که فرسایس سرمایه های اجتماعی یعنی اعتماد داره روز به روز کاهش پیدا میکنه. من اینجا اصلا وارد محتوا نمیشم من وظیفه داشتم یک مقدمه ای طرح بکنم تا بعد ببینم در کار خیر عمومی چه تحلیل استیپ وی می توان انجام داد؟ ما الان بچمون تحلیل استیپ وی و محیط نیست. ما می خواهیم اکوسیستم را بررسی کنیم.

به نظر شما در جامعه امروزی ایران چه قدر ارزش های مبادله ای و ارتباطی در حال رشد هست؟ ارزش های مبادله ای مثل خریدهای مایحتاج روزانه اما وقتی با همسایه ارتباط می گیرید این یک ارزش ارتباطی است. من می گویم در این جامعه شرایطی به وجود اومده که ارزش های ارتباطی به نفع ارزش های مبادله ای مورد تهدید هستن یعنی بیشتر روابط سوداگری و بده بستانی غالب شده است. مثلا دانشگاه ها سال های قبل بیشتر به فکر تحقیقات و کارهای علمی خود بودند اما الان به این فکر هستن که خودشون هم درآمد داشته باشن و پول در بیارن یعنی ارزش های مبادله ای وارد دانشگاه هم شده.

اشرف صانعی نژاد عضو هیات مدیره انجمن یاران دانش و مهر

شما الان بحث ارزش های مبادله ای و ارتباطی را می کنید ولی من جور دیگری نگاه می کنم اگر مبادله فقط به معنای خرید و فروش حتی اون هم برای انسانی که یه مقدار مراحل بالاتری رو طی کرده باشه و به یک خودشناسی رسیده باشه این مبادلات هم بر ارزش های ارتباطی اثرگذار هستند. نگرش من وقتی می خواهم خرید کنم خیلی مهم هست. اینکه نگاه های ارتباطی و ارزش های اصلی من چه چیزهایی هست؟ بعد در حیطه مبادلات نیز با توجه به ارزش های خودم وارد میشم.

مقصود فراست خواه

شما میفرمایید که این تقسیم ارزش‌های مبادله‌ای و ارتباطی منطقی است و وقتی کمی عمیق فکر می‌کنیم اینها باز هم به همدیگر ارتباط دارند یعنی من وقتی فروشگاه می‌روم و داد و ستد می‌کنم اونجا هم یک سری ارزش‌های ارتباطی دارم مثل محبت، انسان‌دوستی، فهم همدیگر و ...

مثلا من وقتی یک سوپر مارکت می‌روم که با من خوش‌رفتاری میکنه احساس میکنم با ایشون ارتباط انسانی بیشتری می‌گیرم و شاید از اونجا کارهای ارتباطی دیگر شروع می‌شود.

کار ذهن تحلیل و جدا کردن هست. تمام دانش بشر از جدا کردن امور از هم و بررسی این موارد به وجود آمده ولی خب چون ذهن شما پویا هست مدام می‌خواهید این موارد را دوباره بررسی کنید و به هم ارتباط دهید. این نظر کاملا درست هست که ارزش‌های ارتباطی و مبادلاتی کاملا با هم ارتباط دارند. ولی آیا شما قائل هستید که برای انجام کار خیر در جامعه باید ارزش‌های ارتباطی توسعه پیدا کند؟ اگر شرایطی در جامعه به وجود بیاد که ارزش‌های اجتماعی کم‌رنگ بشه و لطمه ببینن و بیشتر روابط مبادله‌ای در جامعه غلبه پیدا کند اونجا ما باید نگران بشیم که به لحاظ سیستم کار خیر در محیطش تحت تاثیر خطرانی هست و تهدیدهایی وجود داره که ما باید به آنها هم توجه کنیم.

پریسا پویان راد

ما یک شبکه یاری کودکان کار داشتیم و فعالیت‌های قانونی و کاملا مشخص انجام می‌دادیم. من فکر میکنم این داستان امنیتی شدن فضای سیاسی باعث شد که نتونیم به این فعالیت ادامه بدیم. یعنی اینکه ما می‌تونستیم در یک فضای، تصمیم‌های جمعی بگیریم و اقدامات جمعی انجام دهیم و تجربه‌هایمان را با یکدیگر به اشتراک بگذاریم. وقتی فعالیت‌های شبکه غیرقانونی اعلام شد ما یک جورایی به صورت کامل از هم گسیخته شدیم. به نظر من خیلی نگاه شخصی به این داستان شده چون اگر قرار هست که شبکه نباید کار کند چرا اعلام می‌کنند که شما میتونید در یک لوای دیگه به جز شبکه ادامه بدید؟ ما هنوز خیلی از کارها را با هم انجام می‌دهیم اما همین که اسمش شبکه باشه داستان رو امنیتی میکنه. بروکرسی‌های دولتی به شدت به این فعالیت‌ها لطمه می‌زنه.

مقصود فراست‌خواه

ما اینجا بروکرسی دولتی را منفی حساب می‌کنیم اما دکتر واعظ مهدوی فرمودن ما کارمون رو با آمایش سرزمین در سیستان و بلوچستان ارتباط می‌دهیم، مزیت‌های رقابتی و نسبی اونجا رو پیدا می‌کنیم و میایم این رو با برنامه‌های آمایش سرزمین ارتباط میدیم و به صاحبانظران اعلام می‌کنیم شما که می‌خواهید آمایش سرزمین انجام دهید از این مزیت‌ها و فرصت‌ها هم استفاده کنید.

ولی صحبت‌های شما خیلی با ارزش بود اینکه به مقررات ضد مشارکت اشاره فرمودید. ولی اجازه بدید این محتوا را X,Y,Z در نظر بگیریم اصل بحث ما این بود که خواستیم استیپ وی را یادآوری کنیم که یک موجودیت در یک محیط استیپ وی قابل بررسی هست. ما برای بررسی هر سازمان به یک بررسی استیپ وی نیاز داریم. استیپ وی به ما کمک میکنه که بفهمیم کجاییم؟ در چه موقعیتی هستیم؟ موقعیت خودمون رو تحلیل کنیم و بر اون محیط فائق بیایم و بتونیم تهدیدهامون رو به فرصت و ضعف‌هامون رو به قدرت تبدیل کنیم.

سید محمود آذین

ارتباطات الان یک فاکتور منفی شده و درست رو به روی ضوابط قرار گرفته. یعنی خیلی جاها اصلا ضوابط نیست اما ارتباطات نقش مهمی دارد. در مورد این چه توضیحی دارید؟

مقصود فراست‌خواه

یه موضوع دیگری را باز کردند و فرمودند ارزش‌های ارتباطی هم به پارتی، دوستی و رفاقت تبدیل می‌شود و بسیاری از موارد به صورت چهره به چهره و بدون ضوابط و قوانین مطرح و حل می‌شوند. پس ببینید عالم همه در هم سرشته و ملک در دیو و شیطان در فرشته. اما اگر اجازه بفرمایید از این موارد رد شویم.

افق اکوسیستم

افق اکوسیستم باز هم مسئله رو گسترش داد یعنی ادبیات قبلی سیستم و محیط رو بسط داد و اکوسیستم، یک حوزه و نسل تازه‌ای از رویکرد سیستمی است. اکوسیستم سال‌هاست که وارد ادبیات دنیا شده و یک افق بزرگ‌تری از داستان رو برای ما بررسی کرده که زیست بوم و اکوسیستم یک کلیتی است از شبکه فاعلان، میدان‌ها، روابط، تعاملات پیچیده رسمی، غیر رسمی، همه حوزه‌های از یک کلیت بزرگی که به اون اکوسیستم می‌گیم. کلیت بزرگ از شبکه فاعلان، میدان‌ها، روابط، تعاملات پیچیده رسمی، غیر رسمی، همه حوزه‌های نهادی، فرهنگی، ارزشی، هنجاری، اجتماعی، انسانی، طبیعی، علمی، آموزشی، فناوری، حمایت‌ها، رقابت‌ها، تعارض‌ها، توافق‌ها، منابع، ظرفیت‌ها، بازارها، بانک‌ها، بیمه‌ها، سیاست‌ها، قوانین، رویدادها، تعهدات همه اکوسیستم اند.

اکوسیستم یعنی یک نگاه بسیار کلان‌نگر به ما می‌ده که در اون ذی‌نفعان مختلفی در هم‌کنشی هستن در ابعاد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی یعنی ما در اکوسیستم فعالیت‌های خیر عمومی و عام‌المنفعه وقتی می‌خواهیم تضمین کیفیت بکنیم باید یک اکوسیستم بزرگ رو ببینیم. لایه به لایه هستن. اکوسیستم‌هایی که در سطح بسیار کلان، کلان و میانی تا خرد ما رو فرا گرفتن.

بحث ما دیدن تضمین کیفیت در یک اکوسیستم هست. چطور مطمئن شویم که کار ما کیفیت دارد؟ چطور مدام کیفیت کار سازمان خود را افزایش دهد؟ حالا می‌خواهیم بگوییم هر سازمان برای اینکه کیفیت داشته باشد باید اکوسیستم را ببیند.

چطور هر سازمان می‌تواند امروز نسبت به دیروز یک کیفیت، روش، حالت، نگاه، اثربخشی تازه و یک سطح بلوغ بالاتر ایجاد کند؟ به مجموع این موارد کیفیت گفته میشه.

کارآفرینی اجتماعی

در دنیا یک سری مفهوم وجود دارد به نام کارآفرینی اجتماعی. کارآفرینی یعنی ایجاد اشتغال، فعالیت‌های اقتصادی و سودآور اما کارآفرین اجتماعی کسی است که فرصت‌های خیر ایجاد می‌کند، فرصت‌های انسان دوستی را بیشتر می‌کند. چون برای کارآفرینی اجتماعی مباحث اکوسیستمی خیلی زیادی توسعه پیدا کرده من می‌خوام بحثم رو از کارآفرینی اجتماعی شروع کنم.

یک همایش ارتقا فرهنگ نیکوکاری و تجلیل از نیکوکاران در راستای تقویت بنیادهای نیکوکارانه با کمک انجمن جامعه‌شناسی و اتاق بازرگانی اسفند ۹۲ برگزار شده بود. من اونجا این موضوع رو ارائه کردم. کارآفرینی اجتماعی راه‌حلی برای طرح سود و طرح اخلاق و تلفیق این دو .

دوستان قبول دارید که کارآفرینی اجتماعی مثل ارزش ایجاد کردن، رسیدگی به انسان‌ها، همدلی، انسان‌دوستی، داوطلب بودن قبل از هرچیز یک فرهنگ و یک اکوسیستمه؟

من می‌گم اکوسیستم توان ان ام (n) انسان هست. هم سیستم و هم حتی اکوسیستم توان ان ام (n) انسان هست. اگر انسان بتونه به n برسه میشه سیستم. یعنی اگر قرار هست اکوسیستمی با کیفیت داشته باشیم باید بدونیم کیفیت این سیستم توان n کیفیت این انسان‌هاست. باید اون انسان‌ها کیفیت داشته باشن تا یک اکوسیستم با کیفیت تولید بشه. در حقیقت اکوسیستم معادله پیچیده‌ای از مناسبات انسانی است و در کوچکترین سطح تحلیل؛ برای داشتن یک اکوسیستم مناسب باید انسان‌های با کیفیت داشته باشیم.

یعنی یک فرد انسانی با کیفیت پایه یک سیستم با کیفیت هست. وقتی افراد با کیفیت شدن می‌شه انتظار داشت سیستم‌های اجتماعی با کیفیت داشت باشیم. البته بدون اینکه نگاه اتمیستی داشته باشیم و بخوایم مسائل جامعه رو به مسائل کوچک‌تر فردی تقلیل بدیم ولی به هر حال انسان مهمه. من اینجا مطرح کردم برای رسیدن به اکوسیستم با کیفیت و بالغ، در نگاه عمیق‌تر به انسان‌های بالغ نیاز داریم که قادر و مایل به تولید کیفیت انسانی باشند. یکی از دوستان میتونن توضیح بدن چطور انسان‌های بلوغ‌یافته‌ای که قادر و مایل به تولید مکرر کیفیت انسانی هستن اکوسیستم با کیفیت ایجاد می‌کنن؟

الهی شعبانی

می‌خوام یک نکته‌ای رو بگم در یک اسلاید مطرح کرده بودین که همیشه به روان‌شناسی فردی تقلیل داشت من یه خورده درکش نکردم. از این جهت که اساسا یکی از شاخص‌های سلامت روان از نگاه آدلر علاقه اجتماعی هست و همون بلوغی که شما می‌فرمایید یا انسان خودشکوفایی که در نظریه‌های آدلر هست به سمت این میره که نگاه کلان داشته باشه، جامعه رو ببینه و خیر خودش رو در خیر همگانی ببینه. می‌خواستم بدونم که چرا نمی‌تونیم اون نگاه رو هم داشته باشیم؟ یعنی نگاه اجتماعی داشته باشیم و نگاه روانشناسی فردی رو هم داشته باشیم؟

اینی که اشاره کردید که بهترین حالت هست. اما اگر ما مسائل پیچیده اجتماعی رو فقط به سطح فردی روان انسانها تقلیل دهیم. این کار تقلیل دادن هست. باید سطح فردی روانی رو خیلی مهم بدونیم و بررسی کنیم اما یک مسائل کلان داریم که اونها قابل فرو کاستن و تقلیل به سطح روانی هم نیستن و باید هر دو رو با هم ببینیم که شما اتفاقا فرمودید بعضی رهیافت‌های روانشناختی وجود داره، مثلا آدلر رو مثال زدید که این با هم توسعه پیدا کرده اینجا تقلیل گرای نیست. مسئله من از نظر منطقی و اصل بحث من اتفاقا توجه کردن به اون سطح فردیه اما بدون اینکه جامعه رو آتمیزه ببینیم و تقلیل دادن به ذره‌های کوچکتر بلکه جامعه خودش بزرگتری است که در مقیاس کلان هم، اون سیستم‌های اجتماعی رو باید دید.

حالا برگردیم به این نکته که انسان‌های بلوغ یافته‌ای که قادر و مایل به تولید مکرر کیفیت انسانی هستن اگر این جمله رو توضیح بدید ممنون میشم.

الهه شعبانی

من یه نگاه روان‌شناسی به این ماجرا دارم و اون اینکه که روان جمعی ما در جامعه، قبلا از فردگرایی به دور بود و سمت جمع بود و این فرهنگ خیلی جاها متبلور شده بود. مثلا در مساجد، هیئت‌ها، محله‌ها، همسایه‌ها همیشه یک نگاه جمعی داشتیم. الان انگار اون چیزی که در روان جمعی ما داره جاری میشه فردیت‌گرایی هست و اون تقلیلی که فرمودید داره اتفاق میفته. شاید اگه بخوایم بریم به سمت انسان بلوغ یافته باید اینطور قدم برداریم که نگاه انسان یک نگاه فردی نباشه و یک نگاه جمعی باشه و واقعا به این باور رسیده باشه که اگر قرار حال خودش خوب باشه باید حال جامعه رو هم خوب کنه.

مقصود فراست خواه

بحث با ارزشی بود. یعنی از توضیح شما متوجه شدیم که این جمله می‌گوید انسان بلوغ یافته، پایه NGO هست. NGO چطور به وجود اومده؟ از انسان‌های بلوغ یافته که تولید کیفیت ذهنی، روحی، اخلاقی و ارتباطی دارن. نگاه، نگرش و اعمالشون با کیفیت هست. کیفیت تولید در جان من نفوذ می‌کنه و من رو اوج میده و من رو دعوت می‌کنه به سمت اوج خودم این یه کیفیته. من می‌گم که انسان‌هایی که مایل و قادر باشن که تولید مکرر کیفیت بکنن این پایه خیر عمومی است. آگاپه، مهر گیتی و ... از این جان‌های آگاه به وجود آمده است. من می‌خوام بگم اکوسیستم ریشه در این انسان داره.

اشرف صانعی نژاد

یک نکته در صحبت‌های شما و دوستان بود ولی من می‌خوام یکم پررنگ ترش کنم. چونکه بحث فردیت به نوعی مطرح بود و اینکه ما در نهایت نگاهمون به سمت کلیت جامعه باشه و لازمه اینکه من بتونم مفید باشم برای دیگران این خودخواهی نیست. باید ابتدا نیازهای اساسی خودم برطرف بشه، نیازهای عاطفیم برطرف بشه اون موقع است که تازه من میتونم تو مسیر خودشکوفایی قدم بردارم و اگر ما به این مرز برسیم جایی هست که فرد قادر میشه. یعنی وقتی نیازهای فرد رفع شده میشه و اصلا ناخودآگاه این نیاز میشه نیاز اصلی فرد. یعنی از نیازهای ابتدایی خودش عبور می‌کنه و میرسه به نیازی که کمک به دیگران برایش لذت و عشق میاره و عشق تولید می‌کنه و اون مرزی هست که واقعا خوش به سعادت افرادی که به این مرز میرسن.

مقصود فراست خواه

چه قدر توضیح جالبی بود. در اون همایش از من انتظار داشتن که وارد عوامل اجتماعی بشم و سیستم‌ها رو توضیح بدم و البته آخرش هم به این موارد رسیدم. اما اولش یک مکثی کردم و گفتم که دوستان برگردیم به انسان‌های بلوغ‌یافته‌ای که در خودشون و محیطشون تولید کیفیت می‌کنن. من آنجا یک بعد از کیفیت انسانی رو اشاره کردم و این بود که یک بعد کیفیت، مسرت باطنی هست. سطحی از سرشار بودگی، شوق خیر عمومی و کارآفرینی اجتماعی از اینجا ناشی میشه که شما درونتون شاد هست و مسرت باطنی دارین. یعنی سرشار هستین. من حس می‌کنم اگر شما سرشار نبودید امروز یعنی ۱۰ بهمن ۱۴۰۲ اینجا نمی‌آمدید. یک شادی پاکیزه درونی در شما هست. شما افسرده نیستید، شما سرشار از هستی و بودن هستید. بودن رو یک فرصت مهم می‌دونید و این خیلی مهمه.

حالا من می‌گم اکوسیستم از اینجا شروع میشه. سیستم توان n ام افرادی هست که سودای سرشون بالاست. شاد بودن در واقع یه طرحی از زندگی، یک نگاه هست. روان‌شناسی در قرن ۲۱ به این سمت میره که انرژی‌های آدمی رو به سمت ظرفیت‌های مثبت موجود در ذهن ببره. اختلال رو نبینید، همیشه

افسردگی و بیماری‌های روانی رو نبینید. شادی و ظرفیت‌های مثبت در ذهن انسان رو ببینید، ریشه اکوسیستم کیفیت NGOها همین ظرفیت‌های مثبت موجود در ذهن انسان‌هاست، چون انسان‌ها می‌تونن تجربه‌های معناداری داشته باشن و از اینجا ارتقا کیفیت و زندگی شادمانه به وجود بیاد. این زندگی شادمانه به این بستگی داره که ما چه نگاهی به عالم داریم؟

خصوصی‌ترین دارایی ما طرز نگاه ماست. تمام دارایی‌های مادی می‌تونند در یک آن از بین بروند. مهم‌ترین دارایی من که شاید هیچ‌کس نمی‌تونه از من بگیره نگاه من هست. آزادی من برای دیدن را هیچ دیکتاتوری نمی‌تواند بگیرد. سارتر می‌گفت اگر شما رو به زندان هم بیندازند همه چیز شما رو از شما می‌گیرن ولی نگاه شما رو از شما نمی‌تونن بگیرن. اگر یستالیست یعنی اصالت وجود، سارتر می‌گوید وجود و نگاه شما اون سرمایه بزرگ شما هست. ما هستیم که می‌تونیم تصمیم بگیریم چطور نگاه کنیم؟

نگاه به خودم، هستی‌ام، پیرامون خودم، همسر، فرزندانم، دانشجویانم، همکارانم، مددجویان، همسایه و .. را خودم تعیین می‌کنم.

ما نهایتاً آنچه هستیم که می‌اندیشیم. زندگی ما در تحلیل نهایی همان احساسات، ادراکات، صور خیال، افکار، طرز نگاه ماست.

اکوسیستم خیلی بزرگ و پیچیده است اما همین اکوسیستم ریشه در یک موجودیتی به نام انسان داره. خوشبختی ما امری subjective (ذهنی) و خود تعیین‌گری است. آیا شما رو جامعه تعیین میکنه یا خودتون؟ باید یک آدم‌های خود تعیین‌گری باشن که کمک کنن بقیه مردم هم تا حدی که می‌تونن مدام خود تعیین‌گر بشن. اما این در سطح واقعی نیست و همه ما تحت تاثیر تعیین‌گرهای دیگر هستیم. آن‌چه از خود ما و سهم ما در این عالم هست عملکرد ذهن، نگاه و کیفیت ذهنی ما هست.

سیستم کیفیت در NGOها ریشه در کیفیت ذهنی انسان‌هایی داره که این سازمان‌ها را به وجود میان.

سلامت روانی یک وضع ذهنی و کیفیت هست. ذهن هست که می‌تواند وضعی معطوف به محبت و کمک به هم‌نوع و عشق پیدا کند به جای وضع معطوف به خشم، اضطراب و نفرت. پس می‌شود طرحی برای زندگی داشته باشیم و با اون طرح زندگی کنیم. در کتاب ذهن و همه چیز انواع و اقسام طرح‌های زندگی رو توضیح دادم و میرسیم به طرح‌هایی که از آن‌ها کار خیر، کارآفرینی اجتماعی در میاد که طرح سود و اخلاق رو با هم آشتی میدن و بقیه مواردی که انسان‌ها رو به سمت ارزش‌های اجتماعی مثل همبستگی جمعی، مقابله با محرومیت و یأس و درماندگی هدایت می‌کنه.

در این کتاب من توضیح می‌دهم که سرآغاز تمام آغازها که در بیرون داریم آغازی است از درون ما و در خود ما. در ما ظرفیت آغاز هست. ما مدام می‌تونیم از نو نگاه کنیم. ما همه شکست خوردیم ولی این کتاب میگه که وقتی من شکست خوردم می‌تونم دوباره آغاز کنم و از شکستم استفاده بکنم چون من تجدیدپذیر هستم. ذهن یک موجودیت پویایی داره و می‌تونه در دل غم‌ها شادی تولید کنه و از دل محدودیت‌ها فرصت ایجاد کنه و از نو شروع کنه و روز و لحظه تازه‌ای داشته باشه.

سید محمود آذین

من از بچگی مبصر کلاس بودم اونم به این دلیل که اگر کسی کار بدی انجام داد نزارم که تنبیه بشه. همین روند تا دانشکده افسری ادامه داشت و در گروهان خودمون من سر گروهان بودم. باز هم نه به دلیلی که بخوام امر و نهی کنم برای حمایت از دیگران بود و کلا همیشه دوست داشتم به بقیه کمک کنم.

مقصود فراست‌خواه

در ما ماند، اینرسی و لختی هست. یک لحظه کسالت ما رو می‌گیره و به خودمون می‌گیم همیشه و ایران کشور کوتاه مدت هست و به این جامعه همیشه کمک کرد. گاهی رفتارهایی از کسانی می‌بینید که به آن‌ها کمک کردید که باعث کدورت شما و گرفتگی ذهن شما می‌شود. ولی در ذهن ظرفیت آغاز هست و همواره می‌تونیم بر این ماند غلبه پیدا کنیم چون علت اون رفتارها را می‌فهمیم. می‌گید اگر ما فرصت‌هایی ایجاد کنیم عوض میشه و دوباره در خودتون نشاط ایجاد می‌کنید و نگاهتون تازه میشه و دوباره از نو نگاه می‌کنید و اون وقت زشتی‌ها به زیبایی تبدیل میشن.

الیه شعبانی

من می‌خوام یک خاطره تعریف کنم و به نظرم خیلی به این بحث نزدیک باشه. سال ۷۶ بود و من بچه بودم و در یکی از محلات جنوب شهر مشغول بازی بودم. من از همون بچگی عاشق دفتر و دفترچه یادداشت و مداد و ... بودم. یه جوان با یک کوله پشتی اومد و یه دفتر به من داد و گفت اینو ببر خونه‌تون

و من از گرفتن این دفتر خیلی خوشحال شدم. پشت اون دفتر عکس آقای خاتمی بود و همون موقع یک طرحواره مثبتی از ایشون در ذهن من شکل گرفت با اینکه اصلا خانواده سیاسی ای نبودیم، اما این حس در من ایجاد شد که حتما این آدم، آدم خوبیه که به من دفتر داده. تا رسید به ۱۸ سالگی که من مددکاری دانشگاه علامه قبول شدم و اونجا یک هم‌دانشگاهی گفت

میای بریم ستاد انتخابات؟ خانواده ما اصلا سیاسی نبود و من اون موقع اصلا از سیاست سر در نمی‌وردم. دوستم گفت ستاد آقای معین هست و من چون به خاطر اون دفتر فقط آقای خاتمی رو میشناختم و تصویر خوبی ازشون داشتم باعث شد برم ستاد دکتر بعد از این ستاد وارد NGO بشم و هنوز بعد سال‌ها به این کار ادامه بدم. من یک بار در یک جمعی این خاطره رو تعریف کردم به این خاطر که به حاضرین اون جلسه بگم شما یه وقت‌هایی نمیدونید دارید چیکار می‌کنید و یا کارتون ممکنه چه اثری داشته باشه. بعد از چند سال یکی از دوستانی که تو این جلسه بود به من گفت این خاطره‌ای که تعریف کردی خیلی حس خوبی برای من ایجاد کرد و الان آقای چیتگری در جوادیه یک NGO تشکیل داده و می‌گه من همیشه به این فکر می‌کنم که شاید یه روزی منم بتونم اون آقای جوون باشم که در ذهن یه بچه خاطره‌ای ایجاد کنم و بعد باعث یه سری اتفاق خوب بشم. می‌خوام بگم خیلی وقت‌ها ماها که در حوزه اجتماعی کار می‌کنیم و با توجه به فضای تیره‌ای که متأسفانه در کشورمون جاری هست اثرگذاریمون رو در جامعه نمی‌بینیم ولی شاید یه لبخند، توجه و محبت می‌تونه زندگی یه آدم رو عوض کنه.

مقصود فراست‌خواه

این خاطره خیلی عالی بود ممنونم. به من بگو خاطرات چیست تا بگویم کیستی؟ این خاطره‌ها مهمن و یه داستان میشن و تاثیرگذار هستن. در جلسه ای که گفتم خانم قدسی مدیرعامل محک هم حضور داشتن که برای ایشون هم یک اتفاق دیگری در زندگیشون و برای بچه‌شون افتاده بود که منجر به ایجاد محک شد. من می‌خوام بگم که خیلی از موارد به نگاه من، تجدید شدن و نو شدن من بستگی داره و دگرگون میشه. یعنی می‌خوام این را بگویم که درسته که اکوسیستم خیلی بزرگ هست ولی توان N ام من هست. اگر این نگاه‌ها توسعه پیدا بکنه میتونه باعث ایجاد NGO ها بشه و بعد توسعه پیدا کنن و سیمرگی بشن و یک اکوسیستم بسازن. هر چند که الان اکوسیستم خیلی پیچیده است و تغییرش خیلی سخته ولی ما هم می‌تونیم با نگاهمون به سمت بهبود اکوسیستم بریم.

پریسا پویان راد

شما فرمودین که همه ما شکست خوردیم، این اصلا ذات زندگی انسان‌هاست. ولی ته تمام شکست‌ها و بعد از طی کردن سوگ به یک معنا می‌رسیم. پس ما از شکست‌هامون درس گرفتیم و یه دلیلی برای ادامه راه پیدا کردیم. ما به میزان وقت و انرژی‌ای که در این مسیر گذاشتیم برداشت نکردیم و خیلی وقت‌ها به در بسته خورده‌ایم اما چرا ادامه می‌دهیم؟ به دلیل همان یافتن معناست.

محمدرضا واعظ مهدوی

این موضوع که افراد چه قدر از شکست‌هاشون بهره بگیرن و خودشون رو بازسازی کنن و آماده‌ی یک حرکت جدید باشن به فرهنگ، آموزش و روش‌های زندگیشون بستگی داره. اتفاقا اکوسیستم اجتماعی ما به شکلی هست که مواردی مانند پشتکار، تلاش و کوشش رو آموزش نمیده و در آموزش‌های رسمی و روش‌های تربیتی نهادینه نمیشه. مثلا من یادم هست یکی از چیزهایی که از بچگی مرتب به ما میگفتن این بود که تیمور لنگ رو مثال میزدن که یه وقتی در زندان بود و به یه مورچه نگاه میکرد که یه دانه‌ای رو گرفته و می‌خواد از دیوار بره بالا و به مقصدش برسه و این دانه میفته پایین و مورچه اومد پایین دنبال دانه‌اش، توجهش به این کار جلب میشه و شروع میکنه به شمردن این کار مورچه و دید که مورچه ۷۰ بار این کار رو تکرار کرد و آخرش موفق شد و میگفتن تیمور لنگ همونجا پاشو زمین کوبید و گفت منی که تیمورم نباید از یه مورچه کمتر باشم و باید من هم این اراده و پشتکار رو داشته باشم. یا مثلا وقتی در مورد مخترعین مثل ادیسون نقل قول می‌شود که چه قدر اشتباهات انجام دادند و چه قدر نا امید نشدند. این موضوعات حتی در مباحث بیولوژیک نیز وارد شده است الان یک دانشی هست که حدود ۲۰ سال هست که پا به عرصه وجود گذاشته است به نام اپی ژنتیک که در واقع آثار متغیرهای محیطی رو در کدهای وراثتی جستجو می‌کنه که ژن رو تغییر نمیده ولی بیان ژن رو تحت تاثیر قرار می‌ده یعنی اینکه کدوم ژن بیاد و پروتئین تولید کنه تا رفتار شکل بگیرد این موارد کاملا تحت تاثیر یافته‌های اپی ژنتیک هست و اینکه حتی وراثت پیدا می‌کنه.

یکی از دوستان ما یک مطالعه‌ای انجام داده بود و می‌گفت که یک زمینه‌ای الان مطرح شده معادل ژنتیک به نام میمیتیک. ژن در سطح وراثت و فردی است و مم در سطح اجتماعی است. یعنی وراثت اجتماعی و انتقال مفاهیم و این که چطور مم‌ها کپی می‌شوند؟

مقصود فراست خواه

هر فردی یک مم با خودش حمل می کند و آن مم به وراثت می رسد که البته یک مقدار هم به ژنتیک مرتبط است. در کتاب ما ایرانیان در یک فصل در مورد ممها توضیحاتی ارائه شده است. یکی از عوامل موثر بر ممها ادبیات است.

محمدرضا واعظ مهدوی

اینکه ما چه خروجی ای برای ذهن ایجاد کنیم و چه خروجی برای رفتار فردی و اجتماعی در هنگام مواجه با مشکلات و شکست ها از خود نشان دهیم کاملا به آموزش ما (آموزش به صورت کلی چه رسمی چه غیر رسمی) مربوط می شود و همه مواردی که ذهنیت، تحلیل و جهان بینی ما رو شکل میدهد.

مقصود فراست خواه

این آموزش ها همه پایه اکوسیستم است. ارشمیدس میگفت به من یک اهرم و نقطه بدید من جهان رو جا به جا می کنم. این اهرم ارشمیدسی در ذهن و نگاه ماست و از اینجا ngoها، ابداعات، نوآوری ها و جریان ها به وجود میان.

محسن فرخوی

تغییر خیلی وقت ها یک فرایند سختی هست و شرایطش فقط زمانی فراهم میشه که یک تغییر دانش ایجاد بشه. امکان ایجاد تغییر زمانی که با دانش همراه باشد بیشتر است که این مورد در اجتماع ما خیلی رونق ندارد و کم شده است.

مقصود فراست خواه

کشورهای اسکانندیناوی یک زمانی جز روستاهای اروپا محسوب می شدند این قدر در این کشورها کار شده و ذهن های سرشار و افراد اهل تغییر که بر ماندها غلبه کردند و تحول ساز بودند فعالیت کردند و این ها باعث تغییر اکوسیستم و ایجاد این اکوسیستم جدید شده.

به نظر من یکی از طرح هایی که همه ما در ذهن داریم، طرح سود و زیان است بخشی از زندگی همه ما بر اساس طرح سود و زیان هست. می خواهیم سود ببریم و زیان نبینیم و این طرح سود و زیان یکی از طرح های وسیع هست. من بخوام به این نزدیک بشم که با طرح سود و زیان چطور میشه کار خیر کرد؟

در کتاب ذهن و همه چیز تفصیلا توضیح دادم که طرح سود و زیان جز متعارف ترین و جهان شمول ترین طرحهاست، همه میخوان به سود برسند و از زیان پرهیز کنن. تعادل وقتی به وجود میاد که هیچ وقت هیچ کس اجباری به دست کشیدن از منافع نداشته باشه. یعنی کسی رو مجبور نکنیم که از منافعش دست بکشه و این وقتی میسر میشه که همه بتونن منافع مورد انتظار خودشون رو به حد بهینه ای از حالت رضایت بخش برسونن. یعنی اگر همه بتونن منفعی داشته باشن اون وقت هیچ اجباری وجود نداره که بگیم که کسی از منفعتش دست برداره. اما اینکه طرح سود و زیان ما چطوره؟ من سه تا حالت در نظر گرفتم.

حالت اول

حالت لختی هست، ما یه وضعیت لختی داریم و این وضعیت لختی اینه که طرف های ذی نفع فقط سود خودشون رو می خوان و اگه سود خودشون همراه با زیان دیگران باشه براشون اهمیتی نداره این میشه بازی سود و زیان، یعنی برد و باخت و بازی پایداری نیست. من و دیگران جوری بازی می کنیم که همیشه یک طرف فقط می خواد برنده بشه و معمولا در نهایت به بازی باخت- باخت تبدیل می شه. چون عملا وقتی ما می خوایم همیشه سود ببریم جامعه به سمتی میره که همه ضرر می کنن و این یک بازی پایدار و طرح پایداری برای بودن نیست چون به زوال جمعی منجر میشه و ویرانگر و مخربه و این بازی همه ما رو مزاحم می کنه اگر این حالت به جامعه ای سیطره پیدا کنه بازی پایداری نیست و نباید این طرح در ذهن های ما شکل بگیره.

السون که یک جامعه شناس بزرگ هست میگه که اگر همه یکسره در راستای منافع شخصی خویش عمل کنند تدارک کالاها و خدماتی که از لحاظ جمعی به نفع همه شان هست در میان آنها مخدوش می شود و امکان بقا در این جامعه وجود ندارد و امکان وجود خدمات عمومی کم می شود.

الان شاخص های فعالیت های عام المنفعه در کشور آمریکا که یک کشور سرمایه داری است از بسیاری از کشورها بالاتر است.

حالت دوم

حالت دوم ریشه در عزیمت‌های مثبت بشری دارد، یعنی طرف‌های ذی‌نفع سود خود را به همراه سود دیگران بخوان. امکان‌پذیرترین قدر مشترک و قدر متوسط از منافع همه طرف‌ها رو قانون زندگی قرار بدن، یعنی قاعده سود - سود. یعنی ما با همه طرف‌ها، معامله و زندگی کنیم و همه‌مون از منافع و سود برخوردار بشیم. به نظر من این حالت ما رو به تعادل می‌رسونه. (سود به معنای مصطلح در اقتصاد)

حالت سوم

حالت سوم نشان‌دهنده اوج بشریت است و این است که طرف‌های ذی‌نفع چنان با هم بازی می‌کنند که نه تنها سود، سود باشه بلکه سود، سود و باز هم سود باشه. یعنی سود معامله علاوه بر طرفین معامله به دیگری هم برسه. یعنی منافع شخص ثالث رو هم در نظر بگیریم. از این مدل بازی، خلاقیت و فرصت جدید ایجاد میشه و از این بازی‌ها هم طرف‌های غایب و هم نسل‌های بعدی سود می‌برند. پس ما می‌تونیم حتی با بازی سود هم بازی‌هایمان را توسعه دهیم که بازی‌های خوبی باشن.

اما ما گاهی دلایلی متنوع‌تر از سود برای رفتار خودمون داریم و طرح‌های زندگی ما بیشتر از طرح سود هست. من می‌خوام توضیح بدم که سود تنها طرحی نیست که بخواد زندگی ما رو توضیح بده. ما طرح‌های دیگری هم در زیستن داریم. بعضی از طرح‌ها مثل دلیل هنجاری (مثل توجه به چراغ قرمز در هر شرایطی)، استدلال‌های اخلاقی (مثل کمک به نیازمندان) انسان استدلال اخلاقی دارد و فقط با سود زندگی نمیکنه. استدلال اخلاقی هم بخشی از واقعیت زندگی ماست. یک دلیل دیگری هم داره مثلا بر حسب کنجکاوی با پرسشی درگیر می‌شیم و چه اوقاتی برای پی‌جویی این سوال‌های خودمون می‌گذاریم بدون اینکه سودی ببریم. به این دلیل، دلیل شناختی می‌گوییم. دلیل دیگر دلیل زیباشناختی است برای مثال وقتی سازی یاد می‌گیریم، برای دل خودمون نقاشی می‌کشیم در این موارد سودی نمیبریم اما لذت می‌بریم این لذت بردن یعنی یک امر زیباشناختی در ما هست و زندگی فقط با طرح سود قابل توضیح نیست و دلایلی وجود دارند که ربطی به سود ندارند. سود بخشی از زندگی است اما همه زندگی رو توضیح نمیده. دلیل معنایی داریم یعنی اعمالی انجام می‌دیم که برای ما معنی دار باشه فارغ از اینکه لذت بخش باشن یا نه؟ ما کارهایی می‌کنیم که معنادار باشن. ممکنه ما خیلی از مواقع کارهایی انجام بدیم که برامون معنی دارن ولی لذت ندارن.

من فکر میکنم در زندگی ما یک مشکلی که وجود داره اینه که بین طرح سود و اخلاق گسست اتفاق افتاده یعنی به جوری شده که اگر کسی بخواد فعالیت‌هایی در جهت کسب سود داشته باشه مثل اینکه با فعالیت‌های نیکوکارانه از هم جدا شدن و دو مورد متفاوتن و در واقع یک انگاره منفی مبهمی در فرهنگ ما هست که کسب سود رو خوب نمیدونه و این سبب شده که مثل اینکه سود با اخلاق جدا شده و حیطه اقتصادی ما مثل اینکه به جوری شده که پول چرک کف دست شده و به نگاه منفی به سود و رفتن به دنبال سود وجود داره در نتیجه میان طرح سود و طرح اخلاقی زندگی یک مقدار فاصله افتاده. من می‌خوام بگم کارآفرینی اجتماعی می‌خواد این موارد رو با هم جمع بکنه.

کارآفرینی اجتماعی به دیدگاهی است که میگه می‌شود آدم کار خیر بکنه و در همون کار خیر هم دنبال سود باشه. یعنی ما کار خیر می‌کنیم و در خیریه‌مان دنبال سود هم هستیم، چطور؟

کارآفرینی اجتماعی غیر از نیکوکاری اجتماعی و میگه شما خیر عمومی انجام بده اما به سری کارهای اقتصادی هم انجام بده که بتوانی مدام این کارهای خیر تو انجام بدی. یعنی سرمایه ت رو با کار اقتصادی توسعه بده تا با سرمایه بیشتری به کار خیر ادامه بدی. یعنی کارآفرینی اجتماعی ترکیبی است از یک فعالیت اقتصادی با یک مهر اجتماعی. در واقع فعالیت‌های کارآفرینانه ضمن برخورداری از ویژگی‌های عمومی کارآفرینی یعنی نوآوری، کسب و کار، خلاقیت اما با جهت‌گیری متفاوت است و جهت‌گیری به سمت اهداف اجتماعی و خلق ارزش‌های اجتماعی است اما یک منطق اقتصادی هم دارد که چطور از نوآوری‌های اجتماعی برخوردار شود که سود بیشتری برای موسسه به وجود بیاد تا خدمات بیشتری به مخاطبان خود ارائه دهد. اما ذره‌ای از این سود اقتصادی به هیچ فردی تعلق نمی‌گیرد و فقط در جهت اهداف نیکوکارانه مجموعه مصرف می‌شود. اینجاست که سود اقتصادی با طرح اخلاق یکی می‌شود.

نیکوکاری اجتماعی غیر از کارآفرینی اجتماعی است. نیکوکاری اجتماعی می‌گه من هزار تومن پول دارم با این هزار تومن هر چه قدر بتونم به گروه مورد حمایت کمک می‌کنم اما کارآفرینی اجتماعی میگه که من هزار تومن رو سرمایه‌گذاری می‌کنم و به صد هزار تومن تبدیل می‌کنم و به افراد بیشتری خدمات ارائه می‌دهم نه اینکه من خودم سود بردارم. مدارس غیرانتفاعی در دنیا این مدلی کار می‌کنند تا در نهایت مدارس خود را توسعه دهند.

ریشه فکر و عمل کارآفرینانه میل به موفقیت است. برخورداری از کانون کنترل درونی یعنی من کنترل در درون خودم باشه نه از بیرون، مخاطره‌پذیری، خودپایه‌گذاری، خلاقیت و تحمل ابهام هست.

کارآفرینی اجتماعی منفعت کسب و کار را با تعهدات عام‌المنفعه اجتماعی درمی‌آمیزد، ایده و ابتکار کار و فعالیت نوآورانه را با تحمل ابهام بیشتر، خلق ارزش‌های اجتماعی بیشتر برای تولید ارزش‌های اجتماعی راه می‌اندازد و این ابتکارها دو حوزه انتفاعی و غیر انتفاعی را با هم آشنا می‌کند. یعنی شما با یک عقلانیت اقتصادی کار می‌کنید تا بشر دوستی را توسعه دهید.

دو رویکرد وجود دارد رویکرد اول مسئولیت‌پذیری کسب و کارهای تجاری مثلا شما یک کسب و کار تجاری دارید ولی کسب و کار تجاریتون رو با مسئولیت‌پذیری شرکتی همرا می‌کنید تا از کسب و کار شما به بقیه افراد ضرری نرسد. مثل آلوده نکردن محیط‌زیست و ... یعنی کسب و کار تجاریتون رو مسئولیت‌پذیر می‌کنید. به نوعی یک رویکردی است که کسب و کار رو با یک نوع مدیریت اخلاقی همراه می‌کنه.

رویکرد دوم اینه که ذهن کارآفرینانه در تاکتیک‌های بخش خصوصی و کشف استراتژی‌های مالی و طرح‌های مدیریتی اما برای آفرینش ارزش اجتماعی و مقاصد غیرانتفاعی به کار گرفته می‌شود.

یعنی شما ذهن کارآفرینانه دارید و در ngo استراتژی مالی دارید و این استراتژی مالی برای شما امکان بقا و توسعه بیشتر رو در جهت افزایش ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی جامعه، بیشتر می‌کند.

الهام سادات توباپور

خود آگاهیه یک کارآفرینی اجتماعی هست. در حال حاضر در ایران خیلی از خیریه‌ها از حامیان پول دریافت می‌کنند و آن را مستقیم به دست نیازمندان می‌رسانند. اما بعضی خیریه‌ها هم وجود دارند که برای تامین هزینه‌های جایشون رستوران دارن یا موادی مثل سبزی و ... به فروش میرسه یا عروسک و سایر محصولات هنری تولید می‌کنن و می‌فروشن و کار اقتصادی وجود داره.

مقصود فراست‌خواه

در همین وضعیت برای افزایش و تولید کیفیت اگر ما شفافیت جریان‌های مالی موسسه‌مون رو بیشتر بکنیم و این موارد رو به جامعه گزارش کنیم و به تمام ذی‌نفعان اطلاع بدیم و نسبت به ایرادات و ابهامات پاسخگو باشیم، حسابرس داشته باشیم از نظارت افراد خارجی کمک بگیریم در این شرایط می‌تونیم به کیفیت ایجاد کنیم که ضمن اینکه مدیریتمون رو به کار می‌گیریم اما ارزش‌های اخلاقی نیکوکاری رو هم رعایت می‌کنیم که این میشه یک نوآوری و کیفیت. مثلا ساختارهای اطلاعاتیمون رو توسعه می‌دیم. ما در مجموع می‌تونیم در کار ngo خودمون کیفیت تولید کنیم و مدام این کیفیت رو با یک نگاه اکوسیستمی ارتقا بدیم. امروز بحث کردیم که اکوسیستم، قوانین، دولت، فرهنگ، تکنولوژی خیلی مهم هستن اما اون چیزی که همیشه مهم‌تر از همه هست نگاه ما، خود ما و کیفیت ذهنی و اخلاقی ما هست و ما می‌تونیم با این کیفیت بر بسیاری از مشکلات اکوسیستم‌ها فائق بیایم ولی در عین حال باید کمک‌هایی هم بکنیم تا اکوسیستم هم بهبود پیدا بکنه. برای اینکه در جامعه پایداری به وجود بیاد فقط به وجود اومدن ngo ها کافی نیست بلکه باید دولت و سیاست‌گذاری‌ها هم بهبود پیدا کنه و قوانین و فرهنگ توسعه پیدا کنن و این موارد خطی نیست. همه این موارد به صورت دیالکتیکی می‌تونیم بر هم تاثیر بزاریم و در نهایت ما با تغییر نگاه و آغازهایی که داریم در جامعه هم تغییراتی ایجاد کنیم. Ngo ها می‌تونند با یکدیگر ارتباط داشته باشن و شبکه بشن و اکوسیستم بسازن. وقتی اکوسیستم کار خیر و انسان دوستانه بیشتر میشه خود به خود در دولت، قوانین، فرهنگ، اقتصاد و کسب و کارهای جامعه هم تاثیر می‌ذاره و سیستم اجتماعی بهبود پیدا میکنه.

نتیجه گیری

نشست‌های آگاهیه با نمایندگان مؤسسات NGO علاوه بر شبکه‌سازی و توانمندسازی به عنوان مأموریت اصلی، با دو هدف

۱- مستندسازی تجارب و تبادل آن‌ها

۲- احصاء دانش از دل تجارب و انتقال این دانش‌ها، برگزار می‌شود.

نشست نخست با موضوع کیفیت در فعالیتهای نیکوکاری در ۲۵ بهمن ۱۴۰۱، نشست دوم به موضوع کیفیت با تأکید بر تعادل قدرت در ۱۴ تیر ۱۴۰۲ و اکنون نشست سوم با موضوع اکوسیستم تضمین کیفیت در سازمانهای مردم نهاد در ۱۰ بهمن ۱۴۰۲ برگزار شد.

در این گفتگو، استاد فراستخواه به اقتضای مخاطبان و مسائل آنها، از ادبیات زیست‌بوم (اکوسیستم) وارد مفهوم کارآفرینی اجتماعی شدند؛ مفهومی که به تلفیق سود و طرح اخلاق می‌پردازد و بازی «سود-سود و باز هم سود» را رقم می‌زند و سایر ذینفعان غایب را نیز در نظر می‌گیرد.

در حین ارائه دکتر فراستخواه حضاران ضمن بیان درک خود در نسبت با مطالب ارائه شده به بیان تجارب خویش نیز پرداختند. این گفتگوها بیشتر بر ویژگیهای روانشناختی و تأکید بر کنشگری فردی و بعضاً درون سازمانی اشاره دارد. به نظر می‌رسد حضاران در درک اثر محیط و توجه به رویکردهای اجتماعی (فارغ از روانشناختی) ابهام بسیاری دارند و تا حدی بیگانه هستند. با توجه به اهداف تعریف شده و بازخورد ذینفعان حاضر در برنامه، به نظر می‌رسد آموزش‌های آگاپه لازم است به موارد زیر بیشتر بپردازد:

- ۱- ادامه مباحث کیفیت با تأکید بر درک ارزش‌ها، ویژگیهای محیطی و اندیشیدن به روابط و شبکه‌ها به عنوان ایجاد ظرفیت در مسیر اهداف
- ۲- تأکید بر فراتر رفتن از رویکردهای روانشناختی و توجه به تحلیل‌های روانشناختی-اجتماعی
- ۳- توجه به آینده جامعه در حال تغییر و نیازهای اجتماعی با تأکید بر آینده پژوهی

